

# کنکاشی در مورد جایگاه آمارها و معیارها در اقتصاد ایران

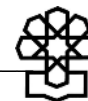
کد موضوعی: ۲۲۰  
شماره مسلسل: ۱۳۲۵۲

مهرماه ۱۳۹۲

## به نام خدا

### فهرست مطالب

۱	چکیده .....
۲	پیشگفتار .....
۴	۱. جایگاه آمار و اطلاعات .....
۴	۱-۱. آمار و اطلاعات و حقوق جامعه .....
۷	۱-۲. ارتباط بین سیاست افشای آمار و اطلاعات و توسعه ملی .....
۹	۱-۳. مسئولیت حاکمیت در افشای آمار و اطلاعات .....
۱۰	۲. نحوه استفاده از آمارها برای تدوین معیارهای شناخت وضعیت اقتصاد کشور .....
۱۴	۲-۱. معیارسازی با استفاده از آمارها و اطلاعات .....
۲۶	۲-۲. شرط دستیابی به معیارهای مطلوب .....
۲۶	۲-۳. استفاده از معیارهای متعدد برای شناخت وضعیت .....
۲۸	۲-۴. جمع‌بندی بحث در مورد معیارهای تشخیص وضعیت .....
۲۸	۳. کلام نهایی .....
۲۹	پی‌نوشت‌ها .....



## کنکاشی در مورد جایگاه آمارها و معیارها در اقتصاد ایران

### چکیده

مطالعه حاضر کنکاشی است در مورد جایگاه آمارها و معیارها به صورتی که بتواند وضعیت اقتصادی و عملکرد مدیریت اقتصادی را با روشنی و شفافیت نشان دهد.

در این راستا بحث حاضر در دو قسمت ارائه شده است:

بخش نخست بحث، به موضوع آمار و اطلاعات و نحوه اثرگذاری آنها بر وضعیت اقتصادی

کشور اختصاص دارد. هدف از این بحث نمایش چگونگی تأثیر جهت‌گیری‌های آماری در کاهش کارآیی مدیریت اقتصادی است.

بخش دوم بحث، به موضوع نحوه استفاده از آمارها برای تدوین معیارهای شناخت

وضعیت اقتصاد کشور اختصاص دارد. در این بخش نشان داده می‌شود که معیارهای کاربردی در واقع قادر نبوده‌اند تصویر درستی از عملکرد اقتصاد کشور نشان بدهند و این امر به مسئولان فرصت داده است تا برخی اوقات فقط جنبه‌هایی از وضعیت اقتصادی را در معرض دید عموم بگذارند که حاصل آن خوب‌نمایی عملکرد خودشان بوده است.

براساس نتایج این تحقیق وجود آمارها و معیارهای برارنده نخستین شرط ایجاد عملکرد کارآمد است و بدون پاسخگو ماندن دولت نسبت به عملکردهای خود، نمی‌توان انتظار داشت که وضعی ایجاد شود که دولت‌ها برای مطلوب‌نمایی کارکرد خود از معیارهای نابرازنده استفاده نکنند. جایگاه قوه مقننه در ایجاد این پاسخگویی بسیار مهم است. قوه مقننه باید وضعی را ایجاد کند که در آن دولت ملزم شود که:

۱. نظام آماری کشور را اصلاح کند و نسبت به آمارها و اطلاعات انتشاریافته پاسخگو باشد.

۲. معیارهای مورد استفاده برای ارزیابی‌های مختلف را شفاف کند و نسبت به وضعیت این

معیارها، پاسخگو باشد.

۳. مستندات و مبانی مربوط به آمارها و معیارها را به‌طور کامل انتشار دهد و نسبت به تأیید

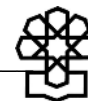
صحت و کارآیی آنها در مقابل جامعه پاسخگو باشد.

## پیشگفتار

تحقیق حاضر کنکاشی در مورد شناخت جایگاه آمارها و اطلاعات در مدیریت اقتصادی کشور و نحوه استفاده از این آمارها و اطلاعات برای تدوین معیارهایی است که بتواند وضعیت اقتصادی و عملکرد مدیریت اقتصادی را با روشنی و شفافیت نشان دهد. انگیزه تحقیق وضعیتی است که درحال حاضر اقتصاد ایران به آن مبتلا شده است که در آن مراجع رسمی آماری و اطلاعاتی کشور انتشاراتی دارند که با وضعیت اقتصادی ملموس در جامعه تفاوت دارد یا دستکم جامعه قادر نیست طبیعت و ماهیت آن آمار و اطلاعات را لمس کند و مسئولان آماری نیز نمی‌توانند توجیهی منطقی و علمی در دفاع از آمارهای انتشار یافته خود ارائه دهند. در نهایت این باور گسترش یافته است که اطلاعات و آمار انتشار یافته برای توجیه عملکرد مسئولان اجرایی انتشار داده شده است که به لزوم از صحت و دقت کافی برخوردار نیستند. در همین راستا، وقتی آمارها و اطلاعات مورد بحث در معیارهای ارزیابی وضعیت‌ها و عملکردها مورد استفاده قرار می‌گیرد، انواع تحلیل‌های متضاد برای توجیه عملکرد مسئولان اجرایی از آنها استنتاج می‌شود. این وضعیت چنان ابهام گسترده‌ای ایجاد کرده است که اغراق نیست اگر گفته شود گهگاه حتی متخصصان اقتصاد در بیان دلایل نادرستی ارزیابی‌ها، سردرگم می‌شوند. تعدد کاربردهای ناروا با استفاده از معیارهای نابرازنده انتشار یافته، گاه آن قدر زیاد است که رمزگشایی از نتایج ارائه شده، می‌تواند در نفس خود عامل ابهام و تردید در جامعه باشد و فعالان اقتصادی را به این باور بکشاند که هر کس می‌تواند از جعبه جادویی آمار و اطلاعات، معیارهایی را بیرون بکشد که باب طبعش باشد!

با عنایت به وضع موجود، به‌ویژه در مواردی که مسئولان جدیدی بر مصدر کارها قرار می‌گیرند، تفاوت ارزیابی‌های ارائه شده از وضعیت اقتصادی در زمانی خاص، جامعه را دستخوش نگرانی می‌سازد و این دلمشغولی را به‌وجود می‌آورد که آیا به‌راستی علم اقتصاد قادر نیست تحلیل‌هایی گویا و قابل دفاع از وضعیت‌ها را ارائه بدهد که در آن رد پای مسئولان در مثبت شمردن عملکرد خود، وجود نداشته باشد؟ اگر هرکس بتواند معیاری ارائه کند که عملکرد خویش را نیکو بنماید و کسان دیگر بتوانند معیارهایی تدوین کنند که معیارهای آن شخص را به‌طور کامل مردود بشمرد، آن وقت باید گفت که تمام منابع صرف شده در راه تدوین آمار و اطلاعات و ساخت معیارهای ارزیابی، درواقع، اتلاف منابع بوده است.

تحلیل حاضر نشان می‌دهد که بدون تردید چنین برداشتی درست نیست. اگر معیارهای تشخیص وضعیت و عملکرد، درست و با استناد به مبانی علم اقتصاد و با تکیه بر الزاماتی که باید تشخیص را فراگیر سازد، مدون شده باشند، امکان ندارد کسی بتواند صلاحیت آن معیارها را مورد



تردید قرار بدهد یا به میل خود معیاری را معرفی کند که از وجاهت علمی کافی برخوردار نباشند. در همین راستا، اگر آمارها و اطلاعات شروطی ویژه را که در تحقیق حاضر به آنها به دقت اشاره می‌شود، برآورده سازند، کاربرد این آمارها و اطلاعات در معیارهای بالا، بدون تردید با شفافیت لازم و کافی، می‌تواند نشانگر عملکردها و وضعیت‌ها باشد. بنابراین معیارهای برانزده مشخص و تردیدناپذیر که با استفاده از آمارهای دقیق و درست، مدون شده باشند، هیچ ابهامی در تعیین وضعیت‌ها ایجاد نخواهند کرد. ابهام زمانی بروز می‌کند که دستکم یکی از دو عنصر تشخیص وضعیت یعنی:

۱. آمارها و اطلاعات،

۲. معیارها، نادرست یا فاقد وجاهت علمی باشند.

برای روشن شدن موضوع، لازم است هر دو عنصر تشخیص وضعیت با دقت بررسی شود. در این راستا بحث حاضر در دو قسمت ارائه شده است:

۱. بخش نخست بحث به موضوع آمار و اطلاعات و نحوه اثرگذاری آنها بر وضعیت

اقتصادی کشور اختصاص دارد. هدف از این بحث نمایش چگونگی تأثیر جهت‌گیری‌های آماری در کاهش کارایی مدیریت اقتصادی است.

۲. بخش دوم بحث به موضوع نحوه استفاده از آمارها برای تدوین معیارهای شناخت

وضعیت اقتصاد کشور اختصاص دارد. در این بخش نشان داده می‌شود که معیارهای کاربردی در واقع قادر نبوده‌اند تصویر درستی از عملکرد اقتصاد کشور نشان بدهند و این امر به مسئولان فرصت داده است تا فقط جنبه‌هایی از وضعیت اقتصادی را در معرض دید عموم بگذارند که حاصل آن خوب‌نمایی عملکرد خودشان بوده است. در هر صورت در اقتصاد کشور، حوزه کاربرد معیارهای متعارف اقتصادی نیز مشخص نشده است. در این راستا ابعاد مختلف ارزیابی‌ها نیز نادیده یا در خوشبینانه‌ترین حالت، دستکم گرفته شده است.

در پایان بحث، در جمع‌بندی گفته‌ها به این موضوع پرداخته می‌شود که اگر قرار باشد هدف‌های مندرج در سند چشم‌انداز درازمدت اقتصاد کشور مبنای ارزیابی عملکرد دولت‌ها قرار بگیرد، قوه مقننه باید مدیریت اقتصادی را در چه چارچوبی قرار دهد که حاصل آن شناخت روشن وضعیت اقتصادی در راستای دستیابی به خواسته‌های این سند باشد.

## ۱. جایگاه آمار و اطلاعات

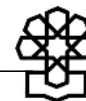
بحث در مورد آمار و اطلاعات موضوع‌های مختلفی را شامل می‌شود که برای شناخت جایگاه آمار و اطلاعات این موضوع‌ها به دقت ارزیابی شود. شروع بحث در هر صورت باید این نکته باشد که دانستن آمار و اطلاعات نشان‌دهنده وضعیت اقتصادی کشور، حق مردم است و این حق نباید به هر دلیل از جامعه سلب شود. حضور دولت در جامعه برای جلوگیری از ایجاد انحصارهای مختل‌کننده زندگی جامعه با فعال شدن این هویت در زمینه اطلاع‌رسانی پیوند یافته است.<sup>(۱)</sup> به بیان دیگر، در یک اقتصاد آزاد، دولت باید در جهت اطلاع‌رسانی و جلوگیری از افزونه‌های<sup>(۲)</sup> اطلاعاتی، فعال شود.

### ۱-۱. آمار و اطلاعات و حقوق جامعه

وقتی بحث آمار و اطلاعات اقتصادی مطرح می‌شود، باید توجه داشته باشیم که موفق‌ترین شخص کسی است که بیشترین دسترسی را به آمار و اطلاعات درست و به‌هنگام داشته باشد. بنجامین دیزرایلی نخست‌وزیر معروف بریتانیا زمانی گفت که به‌عنوان یک قاعده کلی، موفق‌ترین انسان در زندگی، کسی است که بیشترین اطلاعات را در اختیار داشته باشد.<sup>(۳)</sup> این گفته مفهومی استوار و تردیدناپذیر دارد.

بحث آمار و اطلاعات به‌عنوان جزء تفکیک‌ناپذیر مدیریت اقتصادی، از جمله مباحث بسیار بااهمیتی است که هر روز جایگاهی والاتر می‌یابد. نارسایی‌های آماری در هر صورت تصویر وضعیت اقتصاد را می‌تواند مخدوش کند. صحت آمارها و دقت در ارائه به‌هنگام آنها، هر روز بیش از پیش در مرکز خواسته‌های جمعی قرار می‌گیرد. دسترسی به آمار و اطلاعات، به‌ویژه آمار و اطلاعات اقتصادی، عاملی است که از گسترش فساد، افزونه‌جویی و ناکارایی جلوگیری می‌کند و بدون تردید بر مدیریت بنگاه‌های اقتصادی اثری بسیار مثبت دارد. حصول اطمینان از تولید آمارهای قابل اعتماد نیز از وظایف حاکمیتی است که دولت‌ها باید مسئولیت آن را در مقام نماینده حکومت بپذیرند، هرچند که این مسئولیت نباید جامعه را از تولید مستقل دستکم بخشی از آمارهای مورد نیاز خود باز دارد. به‌عبارت دیگر، جامعه باید بتواند و حق داشته باشد در حد نیاز آمارهای مورد نظر خود را تهیه کند ولی حاکمیت برای ارائه آمار و اطلاعات و تلاش برای جلوگیری از فساد و افزونه‌جویی در جامعه، وظیفه‌ای انکارناپذیر دارد.

در جامعه مدنی دنیای امروز، مردم حق دارند در مورد وضعیت خودشان آگاهی داشته باشند. ناآگاهی می‌تواند وضعیت آنها را مخدوش کند و به زندگی‌شان زیان وارد آورد. اهمیت آگاهی به‌حدی است که یونسکو برنامه راهبردی اطلاعات برای دسترسی همگان را در سال ۲۰۰۸ میلادی



مصوب کرد و سال ۲۰۱۳ میلادی سال پایانی این برنامه جهانی است.<sup>(۴)</sup> هدف از این برنامه راهبردی کمک به کشورهای عضو سازمان ملل متحد برای ارائه آمار و اطلاعات در شبکه‌های کارآمد است تا تمام شهروندان بتوانند با سادگی مشهود، به آمارها و اطلاعات مورد نیاز خود، در زمان درست، دسترسی داشته باشند. در همین راستا یونسکو اعلام آمادگی کرده است که برای ایجاد یک بانک اطلاعاتی جهانی با کشورهای مختلف همکاری نماید. این تلاش جهانی نشانه‌ای از اهمیت تردیدناپذیر آمار و اطلاعات در زندگی جوامع است.

در دنیای امروز جوامع پیشرفته تلاش می‌کنند که دامنه بااطلاعی<sup>(۵)</sup> یا سواد اطلاعاتی مردم را گسترش بدهند. بنا به تعریف، بااطلاعی وضعیتی است که شخص می‌تواند بفهمد به چه نوع اطلاعاتی نیاز دارد و قادر باشد آن اطلاع را به دست بیاورد، تحلیل کند و به شکلی کارآمد مورد استفاده قرار دهد. درواقع بااطلاعی، مشابه باسواد<sup>(۶)</sup>، نوعی ویژگی لازم برای توسعه انسانی<sup>(۷)</sup> محسوب می‌شود. بااطلاعی بخشی از فرآیند فراگیری در طول عمر<sup>(۸)</sup> است<sup>(۷)</sup> که عامل افزایش شناخت انسان می‌شود.

بی‌اطلاعی یا بی‌سواد<sup>(۹)</sup>ی اطلاعاتی، عاملی است که بر انواع مختلف نااطمینانی می‌افزاید و هزینه فعالیت را افزایش می‌دهد. در مورد آمار و اطلاعات اقتصادی، بی‌اطلاعی می‌تواند دو نوع نااطمینانی ایجاد کند:

۱. یک نوع نااطمینانی که در اصطلاح نااطمینانی شدید<sup>(۱۰)</sup> یا ناشناختن ندانسته‌ها<sup>(۱۱)</sup> نامیده می‌شود، وقتی بروز می‌کند که اطلاع اقتصادی شکلی تخصصی داشته باشد که به سادگی ردیابی نشود. در این حالت، ارائه نشدن آن آمار یا اطلاعات می‌تواند با خطرات جدی همراه شود و حتی کسب‌وکار را در معرض خطر ورشکستگی قرار بدهد. در این وضعیت فعالان اقتصادی قادر نیستند به سادگی برآوردی قابل دفاع از وضعیت داشته باشند زیرا برای تدوین آمار یا اطلاعات مورد بحث، دانش فنی لازم را در اختیار ندارند. در برخی از موارد نااطمینانی‌های شدید، حتی ممکن است شخص بتواند مسیر کلی اطلاعات یا آمار را حدس بزند ولی نمی‌تواند عواقب وضعیت برخاسته از آن مسیر را بشناسد.

۲. نوع دوم نااطمینانی محدود<sup>(۱۲)</sup> یا شناختن ندانسته‌ها<sup>(۱۳)</sup> است. در این نوع نااطمینانی شخص ممکن است از محدوده دقیق آمار و اطلاعات مطلع نباشد، ولی می‌تواند کم‌وبیش حضور آن را بداند یا لمس کند و در نتیجه قادر است در مورد آن برنامه‌ریزی محدودی داشته باشد تا از خطرات

---

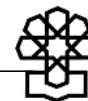
1. Information Literacy
2. Lifelong Learning
3. Hard Uncertainty
4. unknown unknowns
5. Soft Uncertainty
6. Known Unknowns

احتمالی آن بکاهد. در نااطمینانی‌های محدود، زیان‌های ناشی از نداشتن آمار و اطلاعات دقیق، به مراتب محدودتر است زیرا کارگزاران اقتصادی در هر صورت برآوردهایی در دست دارند که می‌توانند از آنها در فعالیت خود استفاده کنند.

برای روشن شدن موضوع، می‌توان نرخ تورم را مثال زد. وقتی آمار صحیح و به‌هنگام در مورد تورم به‌دست مردم نمی‌رسد، سرمایه‌گذاری‌های بنگاه‌ها با خطرهای برخاسته از ارزیابی نادرست مواجه می‌شود. با وجود این، فعالان اقتصادی قادرند کم‌وبیش با مراجعه به اسناد خود، روندهایی را تخمین بزنند که از شدت زیان احتمالی که با آن مواجه می‌شوند، بکاهد. مثال دیگر آمار تولید مواد اولیه یا آمار واردات کالاهای اساسی مورد مصرف بنگاه‌های تولیدی است. وقتی این آمارها به اطلاع جامعه نمی‌رسد، ضربه نااطمینانی می‌تواند بسیار شدیدتر باشد، زیرا در این حالت فعالان اقتصادی حتی ممکن است با خطر ورشکستگی مواجه بشوند. از دو مثال ذکر شده می‌توان دریافت که مورد نخست از نوع نااطمینانی محدود و مورد دوم از نوع نااطمینانی شدید است.

وقتی مرجع رسمی آمار، از ارائه آمار درست و به‌هنگام باز می‌ماند، مراجع متفرقه و کارگزاران اقتصادی هریک به فراخور حال خویش، اطلاعاتی را بیان می‌کنند. حاصل کار بروز اختلاف نظر در مورد ارقام آمار و اطلاعات و تعدد ارقام، بروز می‌کند. اختلاف نظر بین جامعه و مراجع آماری در مورد برآورد آمارها و اطلاعات کلیدی، همیشه بحران‌آفرین و خطرناک است.

در ایران مشکل اختلاف نظر در مورد آمارهای مشابه، در حوزه مراجع دولتی و حکومتی متعدد نیز به دفعات مشاهده شده است. عراق نیست اگر گفته شود که این اختلاف نظر در هیچ زمان به‌دقت بررسی نشده و در موارد متعدد همچنان به‌صورت یک عامل جنگ قدرت بین دو مرکز انتشاردهنده، باقیمانده است. به‌عنوان مثال، ارقام درآمد ملی، طی سال‌ها توسط بانک مرکزی به‌عنوان مرجع رسمی این آمار، انتشار یافته است. مرکز آمار ایران هم در جای خود سابقه‌ای متجاوز از دو دهه در انتشار این آمار دارد که حتی برای سازمان برنامه کشور<sup>(۸)</sup> که مسئولیت تدوین برنامه‌های توسعه‌ای را برعهده داشته است، آمار مرجع محسوب نمی‌شده است. بدون تردید در تمام دوره انتشار مشترک دو آمار، اختلاف بین ارقام و روندها در سطوح مختلف مشاهده شده است. این تفاوت در هیچ زمان مورد بررسی کارشناسی رسمی قرار نگرفته و اختلاف موجود برای جامعه علمی کشور تشریح نشده است. با تغییر در مرجع انتشار آمارهای مورد بحث، مرکز آمار ایران همچنان بدون توضیح در مورد دلایل تفاوت ارقام خود با ارقام بانک مرکزی، رقم‌هایی را انتشار داده است که گاه با تأخیر گسترده همراه بوده است. نکته قابل توجه اینکه در مواردی هم خودداری از انتشار ارقام در جهت پوشش دادن به عملکرد قوه مجریه بوده است. نمونه این رفتار، ارقام رشد مربوط به سال ۱۳۹۱ بوده است. در مورد شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی



خانوارها در مناطق شهری کشور هم دو نهاد ارقام متفاوتی را انتشار می‌دهند و تغییر مرجع آماری هم عاملی در جهت اهمیت یافتن هرچه بیشتر دلیل تفاوت آمارها بوده است. در هر صورت، به‌عنوان یک قاعده کلی، اختلاف آمارها، به‌ویژه وقتی ناشران در گروه دولتی و حکومتی دسته‌بندی می‌شوند، موضوع مهمی است که طی سال‌ها مسکوت باقی مانده است حال آنکه اختلاف‌های موجود تأثیری ملموس بر جامعه و اعتماد نسبت به ارقام و آمار برجا گذاشته است.

به‌طور خلاصه، دسترسی به آمار و اطلاعات دقیق و به‌هنگام یک حق جامعه است که نمی‌تواند نادیده گرفته شود. اگر هریک از دو ویژگی:

۱. صحت،

۲. به‌هنگام بودن از آمار و اطلاعات حذف شود، فعالان اقتصادی با نااطمینانی و خطرهای مختلف مواجه می‌شوند و این زیانی است که دولت به آنها وارد می‌آورد. شدت زیان با ماهیت آمار و اطلاعات بستگی تام دارد.

## ۲-۱. ارتباط بین سیاست افشای آمار و اطلاعات و توسعه ملی

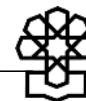
یکی از اصولی‌ترین پرسش‌ها این است که چه کسی از عدم افشای آمار و اطلاعات، یا افشای نادرست و دیرهنگام آمار و اطلاعات سود می‌برد؟ قدر مسلم این است که محروم ماندن از دسترسی به آمار و اطلاعات دقیق و به‌هنگام، از دید کارگزاران اقتصادی و جامعه، نوعی مالیات است که دولت از نهادهای فعال اقتصادی و جامعه، دریافت می‌کند. نکته قابل توجه این است که برخلاف مالیات‌های متعارف که برای دولت درآمد ایجاد می‌کند، محروم کردن جامعه از اطلاعات برای دولت درآمدمی هم به‌وجود نمی‌آورد و دولت هم در چارچوب از دست دادن اعتبار خود، از عدم افشای آمار و اطلاعات یا افشای نادرست و دیرهنگام آمار و اطلاعات، زیان می‌بیند.

درست است که در جریان فعالیت‌های اقتصادی، برخورداری از اطلاعات عمومی نشده و وجود افزونه اطلاعاتی عامل افزایش قدرت می‌شود، ولی این وضعیت در مورد سیاستگذاری می‌تواند مصداق نداشته باشد. به روایت دیگر، وقتی افزونه اطلاعاتی به دولت در مقام سیاستگذار اقتصادی و قوه مجریه، تعلق داشته باشد، اگر این افزونه با پنهان نگاه‌داشتن اطلاعات از جامعه، حاصل شده باشد، بازده افزونه ممکن است مثبت نباشد. محدود کردن دسترسی عموم به آمار و اطلاعات که عامل ایجاد افزونه اطلاعاتی می‌شود، در جریان فعالیت اقتصادی سودی ناعادلانه را نصیب مقام دارای اطلاعات می‌سازد، ولی در جریان سیاستگذاری و برنامه‌ریزی‌های غیرکارفرمایی، تأثیر احتکار اطلاعات درست معکوس است. به‌عبارت دیگر، دولتی که آمارها را

برای خود نگاه می‌دارد و در زمان درست در اختیار جامعه قرار نمی‌دهد، یا آنکه به عمد آمارهای نادرست را انتشار می‌دهد، خودش هم دچار زیان و ضرر می‌شود و اعتبارش را از دست می‌دهد. نتیجه حاصل این است که دولت از فعالان اقتصادی و جامعه مالیاتی را دریافت می‌کند که بر منابع دولت نمی‌افزاید و نمی‌تواند برای بالا بردن اقتدار دولت نیز کاربرد داشته باشد. در واقع این وضعیت فقط می‌تواند معادل از دست دادن فرصت‌های توسعه‌ای باشد.

برای روشن شدن موضوع می‌توان از یک مثال استفاده کرد. اگر در حالتی نرخ رشد بخش صنعت به شدت منفی باشد و دولت یک عدد مثبت برای نرخ رشد صنعت اعلام کند یا به کلی از اعلام آن خودداری نماید، ولی در عین حال بخواهد از اطلاعات افشا نشده برای اصلاح وضع استفاده کند، باید برنامه‌ای را تدوین کند که توجیه آن برای جامعه و کارگزاران اقتصادی در بخش‌های غیرصنعتی کشور، ابهامات زیادی را دربر دارد. بدیهی است که دولت ناگزیر نمی‌تواند در زمان درست با اجرای سیاست‌های حمایتی و اصلاحی جدی برای بخش صنعت، مشکل افت رشد این بخش را رفع کند زیرا جامعه با این پرسش مواجه می‌شود که ارتباط بین سیاستگذاری و آمارهای انتشار یافته چیست. راه‌حلی که دولت پیش رو دارد این است که سیاست‌های مورد نظر خود را با تأخیر اعلام کند تا جامعه احساسی نسبت به نادرستی آمارها داشته باشد. این حالت سبب می‌شود که اعتبار دولت در مورد آمارها و اطلاعات زایل شود و مردم به این باور برسند که آمارها نادرست است. در همین راستا، در حالت اخیر، فعالان بخش صنعت هم حمایت خود را از دولت دریغ خواهند کرد، زیرا دولت نتوانسته است در زمان مناسب به یاری آنها بشتابد. علاوه بر این، مثبت نمایاندن وضعیت نامطلوب بخش صنعت سبب می‌شود که دولت دستکم برای مدتی وخیم شدن وضع صنعت را نادیده بگیرد و شاید مانند روال گذشته بخواهد مالیات دریافتی از فعالان صنعتی را افزایش بدهد. حاصل کار این می‌شود که دولت به صورت دستوری از فعالان صنعتی مالیات اخذ کند حال آنکه آنها دچار مشکلات بخشی خود هستند و نمی‌توانند این مالیات را بپردازند. این عمل با شکایت متعدد فعالان صنعتی و گسترش نارضایتی بخش صنعت از عملکرد دولت، همراه می‌شود. در عین حال انگیزه فرار از بخش رسمی و سوق دادن فعالیت به بخش زیرزمینی هم گسترش می‌یابد. این مجموعه نشان می‌دهد که دولت از افزونه اطلاعاتی خود نمی‌تواند در جهت بالا بردن توسعه اقتصادی استفاده کند و این افزونه برای دولت نیز نفعی به همراه ندارد.

در حالتی که وضعیت بخش صنعت در زمان مناسب و با دقت زیاد به اطلاع جامعه برسد، فعالان هم تلاش خواهند کرد که الگوی رفتاری خود را اصلاح کنند و بنابراین مدیریت منابع در بنگاه‌ها بسیار جدی و حساس می‌شود. در این وضعیت اگر مالیات دریافتی از بخش صنعت هم سیر صعودی نداشته باشد، هیچ تردیدی نسبت به عملکرد دولت به وجود نخواهد آمد و در نهایت



اعتبار دولت زایل نخواهد شد. اعلام نکردن آمارها و اطلاعات، ارائه اطلاعات نادرست یا دستکاری شده و دیر اعلام کردن آمارها همه از مواردی است که سبب می‌شود اعتبار مسئولان زایل شود و در نهایت محیط اقتصادی بر فساد و افزونه‌جویی تکیه نماید. این وضعیت سلامت اقتصادی را بدون تردید زایل می‌سازد.

جالب توجه است که شاید محققان کمترین آسیب را از وضعیت نابسامانی آماری متحمل شوند. نظر به اینکه اطلاعات اقتصادی همیشه ماهیت دوسویه دارند، محققان می‌توانند با هوشمندی گردش عملیات را دنبال کنند و در ساده‌ترین نقطه این گردش، برآوردی از وضعیت به‌دست آورند. به‌عنوان مثال تولید یک فعال اقتصادی همیشه مصرف فعال دیگر است. بنابراین فقط با بررسی جریان گردش محصولات و فعالیت‌ها می‌توان برآوردهایی به‌نسبت درست از وضعیت به‌دست آورد. مواردی از این قبیل برآوردها در گزارش‌های مراکز مختلف تحقیقات کاربردی و سیاستگذاری، ارائه شده است. به‌عنوان مثال محققانی در کشور وجود دارند که توانسته‌اند نرخ تورم، رشد منفی اقتصاد و تأثیرهای نابرازنده مدیریت بودجه‌ای کشور را برآورد کنند. در این چارچوب می‌توان گفت که شناخت وضعیت اقتصاد کشور دستکم برای جمعی از محققان متخصص، ناممکن نبوده است. البته باید عنایت شود که این نوع شناخت برای سیاستگذاری کاربرد ندارد زیرا نمی‌توان فقط به صرف داشتن برآورد یک محقق، هرچند فرهیخته، سیاستگذاری کرد و دستگاه‌های رسمی کشور را نادیده گرفت.

به‌طور خلاصه، مسئولان دولت و نهادهای رسمی کشور، حتی اگرچه پیش از شهروندان به آمار و اطلاعات دسترسی داشته باشند، نخواهند توانست سیاست‌های برارنده برای اصلاح ساخت اقتصاد تدوین کنند زیرا این سیاست‌ها با گفته‌های مسئولان تفاوت خواهد داشت. بنابراین شهروندان حساسیت ویژه‌ای نسبت به دولت و سیاست‌های پیشنهادی دولت، نخواهند داشت. برای جلوگیری از ضایعات برخاسته از مسائل آماری و اطلاعاتی لازم است الزام قانونی برای درست‌نمایی، افشای به‌هنگام آمارها و ارائه تفصیل لازم برای آمارها وجود داشته باشد. از این مجموعه نتیجه‌گیری می‌شود که افشای درست و به‌هنگام آمار و اطلاعات اقتصادی در جهت توسعه ملی و جلوگیری از زایل شدن فرصت‌های توسعه‌ای عمل می‌کند.

### ۳-۱. مسئولیت حاکمیت در افشای آمار و اطلاعات

با عنایت به یافته‌های بحث آمار و اطلاعات که نشان می‌دهد:

۱. دسترسی به آمارهای درست و به‌هنگام اقتصادی حق شهروندان است،

۲. پنهان کردن یا نادرست‌نمایی آمار و اطلاعات عاملی در راستای از دست دادن فرصت‌های توسعه‌ای است، حاکمیت باید وضعی را به وجود آورد که مسئولان اجرایی کشور حق نداشته باشند برای حفظ منافع خود و پنهان کردن عملکردهایشان، از انتشار به‌هنگام آمار و اطلاعات خودداری نمایند یا آنکه با نادرست‌نمایی آمار و اطلاعات، جامعه را از شناخت عملکرد دولت محروم سازند. حاکمیت باید وضعی را به وجود آورد که در آن، مسئولان اجرایی کشور برای نادرست‌نمایی یا پنهان کردن آمار و اطلاعات در برابر قانون پاسخگو باشند. به نظر می‌رسد کشور ما در این خصوص هم فاقد مصوبات رسمی است و هم در قواعد غیررسمی جاری بین قوای سه‌گانه و بازیگران سیاسی اهمیتی به آن مشاهده نمی‌شود.

## ۲. نحوه استفاده از آمارها برای تدوین معیارهای شناخت وضعیت اقتصاد کشور

تدوین معیارهای کارآمد برای شناخت وضعیت اقتصاد، یکی دیگر از الزامات توسعه‌ای در تمام نقاط جهان محسوب می‌شود. یکی از مشکلات مشهود در سطح جهان، استفاده نکردن از معیارهایی است که بتواند محورهای مورد بحث را به‌دقت نشان بدهد. کم‌وبیش در تمام نقاط جهان معیارهای کلان در شکلی عمومی مد نظر قرار می‌گیرد و هیچ تلاشی در راه بومی کردن آن معیارها با عنایت به مجموعه اطلاعات قابل دسترس در اقتصاد کشور، در سطح جهان صورت نمی‌گیرد.

قابل توجه است که کشورهای درحال توسعه، در موارد متعدد از معیارهایی استفاده می‌کنند که به‌رغم تشابه اسمی، با مفهوم اصلی آن معیارها اختلاف زیادی دارد. ریشه‌های اختلاف در گروه‌های زیر قابل دسته‌بندی است:

۱. کاربرد معیار برای زمینه مغایر با زمینه اصلی: در این وضعیت معیار در چارچوبی مورد استفاده قرار می‌گیرد که با زمینه اصلی کاربری آن در الگوهای جهانی تفاوت دارد. به‌عنوان مثال استفاده از شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی خانوارهای مناطق شهری به‌جای شاخص تورم در کشور که در ایران از دیرباز رایج بوده است.

۲. استفاده از آمارها و اطلاعات نادرست در ساخت معیار: در این وضعیت، آمارهای مورد نیاز برای ساخت معیار با آمارهایی جایگزین می‌شود که در واقع چارچوب‌های اصلی آمار را نشان نمی‌دهد. به‌عنوان مثال استفاده از آمار پرداخت بابت اشتغال‌آفرینی برای نمایش تعداد مشاغل ایجاد شده و در نهایت برای نمایش روند تغییر در نرخ بی‌کاری.

۳. نادیده گرفتن ضوابط محیطی برای استفاده از آمار یا اطلاعات: آمارها و اطلاعات نیز، مانند معیارها، بر پایه برخی ضوابط و پیش‌فرض‌های محیطی مدون می‌شوند. گاه این ضوابط و



پیش‌فرض‌ها در گردآوری آمارها و اطلاعات نادیده گرفته می‌شود. یک ویژگی مشخص مربوط به آمارهای قیمت است که در آن فرض شده است کیفیت محصول بدون تغییر باقی می‌ماند. وقتی این فرض نادیده گرفته شود، روند تغییرات قیمت در واقع تصویری نادرست از وضعیت را نشان می‌دهد زیرا محصولی که در قیمتگذاری باید مد نظر قرار می‌گرفته است، محصولی مشابه نبوده است. مورد دیگر که در کشورهای درحال توسعه بسیار نادرست کاربرد یافته است، نرخ ارز در کشور است. در کشورهایی که نظام چندنرخه به صورت رسمی یا عملی وجود دارد، در واقع نمی‌توان از نرخ رسمی ارز یا نرخ متوسط موزون برای مقایسه قیمت‌ها استفاده کرد. در این موارد باید نرخ ارز مربوط برای مقایسه قیمت‌ها به کار برده شود. در مقایسه قیمت‌های مختلف در کشورهای مختلف جهان، یکی از روش‌های کاربردی این است که نرخ دلار به عنوان مبنا قرار بگیرد. به عنوان مثال وقتی بحث می‌شود که قیمت بنزین در ایران ارزان‌تر از قیمت بنزین در کشورهای اروپایی است، بیشتر اشخاص از معیار قیمت دلاری یک لیتر بنزین در ایران در مقایسه با یک لیتر بنزین در یک کشور اروپایی استفاده می‌کنند. این معیار در نفس خود هیچ کاربردی ندارد زیرا نمایش تفاوت قیمت باید با هدفی مشخص باشد. به عنوان مثال ممکن است هر یک از موارد زیر هدف بحث باشد:

- نمایش اثر تفاوت قیمت بنزین ایران با کشورهای اروپایی برای دستیابی به شدت مصرف بی‌رویه در ایران.

- نمایش اثر تفاوت قیمت بنزین ایران با کشورهای اروپایی برای دستیابی به شدت قاچاق بنزین در ایران.

- نمایش اثر تفاوت قیمت بنزین ایران با کشورهای اروپایی برای دستیابی به دلایل محدود بودن توسعه محصولات جایگزین بنزین در ایران در مقایسه با کشورهای اروپایی.

امر واقع این است که بحث‌های دیگری نیز می‌تواند مد نظر باشد ولی دستکم در هیچ یک از موارد ذکر شده، معیار تفاوت قیمت دلاری یک لیتر بنزین نمی‌تواند معیار قابل استفاده برای نمایش وضعیت و دلایل آن باشد. وقتی بحث شدت مصرف مطرح می‌شود، لازم است معیار تفاوت دلاری دستمزدها نیز با معیار تفاوت قیمت دلاری بنزین تلفیق شود. در این حالت، انتخاب واحد شمارش (یعنی دلار) در ساخت معیار تفاوت قیمت یک لیتر بنزین، انتخاب نادرستی است زیرا این فرض محیطی را مطرح می‌کند که دستمزدها به دلار آمریکا در دو کشور یکسانند. واحد شمارش برانزده، دریافتی یک ساعت کار نیروی کار در هر یک از دو بازار است.<sup>(۹)</sup> وقتی بحث شدت قاچاق مطرح می‌شود، شاخصی برای کیفیت بنزین و استانداردهای آلاینده‌ها مورد پذیرش در دو کشور باید به شاخص تفاوت دلاری قیمت افزوده شود. علاوه بر این هزینه فرصت سوخت در ایران در مقایسه با

کشور طرف قاچاق سوخت باید به شاخص‌های مورد بحث افزوده شود. در این مورد هم فرض مفروض این بوده است که:

الف) قاچاق بدون هزینه است،

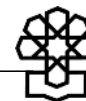
ب) کیفیت بنزین در دو کشور یکسان است،

ج) دسترسی به بازار کشوری که میزبان سوخت قاچاق شده ایران فرض شده است، به سادگی و در هر سطح امکانپذیر است.

به سادگی می‌توان دید که این فرض‌های محیطی را نمی‌توان در معیار قیمت دلاری بنزین در دو کشور، نادیده گرفت. در حالتی که تفاوت انگیزه برای دستیابی به محصول جایگزین بنزین مد نظر باشد، فرض محیطی این است که تحقیقات در هر دو کشور از استانداردها و امکانات مشابه برخوردار است. اگر این فرض در معیار تفاوت قیمت دلاری بنزین در کشورها مد نظر قرار بگیرد، تفریق شاخص تفاوت قیمت با شاخص سهولت تحقیق در مورد محصول جایگزین بنزین، باید در ساخت معیار مد نظر باشد. پذیرش فرض یکسان بودن امکانات تحقیق در وضعیتی که به وضوح این یکسانی مردود شمرده می‌شود، استفاده از شاخص تفاوت قیمت دلاری بنزین را برای نمایش دلیل محدود بودن توسعه محصول جایگزین بنزین، نادرست و توجیه‌ناپذیر می‌سازد. در هر صورت، مثال‌های متعددی را می‌توان ذکر کرد که نشان می‌دهند، نادیده گرفتن محیط مفروض تا چه اندازه می‌تواند کاربرد معیار را نادرست و فاقد وجاهت علمی سازد. با وجود این، در موارد متعدد دیده می‌شود که بدون عنایت به مفروضات محیطی، شاخص‌ها و معیارهای عمومی برای توجیه وضعیت‌هایی به کار می‌رود که مفروضات محیطی در مورد آنها نادرست است.

۴. نادیده گرفتن تحولات مفهومی در معیار در طول زمان: در موارد متعدد متغیرهای اقتصادی در طول زمان با تحولات مفهومی مواجه می‌شوند که این تحولات روابط علت و معلولی بین متغیرها را مخدوش می‌سازد. در این راستا ممکن است آمارهای مربوط به مفهوم سنتی متغیرها برای مفهوم جدید آنها کاربرد نداشته باشد هرچند که هنوز برخی از کشورها از همان آمارهای قدیم استفاده می‌کنند و حتی ممکن است مفهوم جدید را نیز مورد استفاده قرار ندهند. در این راستا، تطبیق روندها بدون عنایت به تفاوت‌های رخ داده، نادرست است.

۵. نادیده گرفتن الگوی فکری پایه ساخت آمار و اطلاعات: بسیاری از آمارها براساس یک الگوی فکری و ساختی مفروض گردآوری می‌شوند. اگر این الگوی فکری و ساخت مفروض از نظر دور بماند، استفاده از آمارها می‌تواند گمراه‌کننده باشد. به عنوان مثال، سازمان بین‌المللی کار بی‌کاری را معادل وضعی می‌داند که شخص کمتر از یک ساعت در هفته شاغل باشد. این مفهوم که



درواقع حضور در بازار کار را مد نظر دارد، با الگوی فکری که بر اساس آن کار باید عامل ایجاد قدرت خرید در حد تأمین نیازهای شخص یا خانوار باشد، ناسازگار است.

۶. ویژگی‌های کلیدی در آمارها: آمارهای مختلف می‌توانند ویژگی‌های کلیدی داشته باشند که این ویژگی‌ها در طول زمان به دلایل مختلف تغییر کند. به‌عنوان مثال وقتی پرداخت‌های نقدی در بودجه خانوار صورت می‌گیرد، ساخت عمومی هزینه‌ها و درآمدها به کلی تغییر می‌کند زیرا این پرداخت‌ها فرض وجود انسجام در روند درآمدهای خانوار را به کلی تغییر می‌دهد و بنابراین ارتباط بین درآمد و هزینه که یک ویژگی کلیدی در آمارهای بودجه خانوار است، فعال می‌شود تا مقدار تقاضای خانوار را تغییر دهد. در این صورت رفتار خانوار در سال پس از دریافت انتقال نقدی با سال پیش از خود تفاوت می‌کند. در حالت اخیر استفاده از آمارها باید با عنایت به تحول رخ داده در وضعیت خانوار و فعال شدن یک ویژگی کلیدی، صورت پذیرد.

یکی از مهمترین ویژگی‌های کلیدی در مورد آمارها این است که بعضی از آمارها ماهیت تعاملی<sup>۱</sup> یا دوسویه دارند. وقتی آماری ماهیت تعاملی داشته باشد، تغییرات آن می‌تواند برخاسته از عملکرد جامعه یا در نتیجه سیاستگذاری باشد. تفاوت ظریف ولی بسیار مهمی بین این مسیر ایجاد تغییرات وجود دارد. به‌عنوان مثال شاخص تورم یک شاخص تعاملی است زیرا وزن‌های شاخص از بودجه خانوار گرفته می‌شود و بودجه خانوار تابع عواملی است که مدیریت خانوار ایجاد می‌کند. با این اوصاف، وقتی قیمت‌ها چنان گران می‌شود که خانوار فقط برای حفظ تراز بودجه مجبور می‌شود از مصرف کالاهای گران شده خودداری کند، عمل خانوار در اصطلاح مدارا کردن<sup>۲</sup> با وضعیت برای گذران امور است. حاصل مدارا کردن می‌تواند عواقب وخیمی در زندگی آینده خانوار باشد، ولی خانوار چاره‌ای جز مدارا کردن ندارد. به‌عنوان مثال وقتی داروهای بیماری‌هایی مانند سرطان خون در حدی است که بیش از چند ماه حقوق خانوار را به خود اختصاص می‌دهد، شخص مبتلا به این بیماری، با صرف‌نظر از استفاده از دارو، مرگ خود را یقینی می‌سازد و خانوار با از دست دادن یکی از اعضای خود، با وضعیت مدارا می‌کند. در نتیجه این مدارا کردن، وزن داروی مورد بحث در بودجه خانوار افت می‌کند و فشار قیمتی آن بر تورم کمتر می‌شود. در همین راستا وقتی گوشت قرمز به‌حدی گران می‌شود که خانوار از خوردن گوشت قرمز چشم‌پوشی می‌نماید و با هدف مدارا کردن و تنظیم بودجه امروز، سلامت فردای خانواده را در معرض خطر قرار می‌دهد، در نتیجه پایین آمدن وزن گوشت قرمز در بودجه خانوار، وزن این کالا در سبد تورم افت می‌کند. حاصل کار این است که وقتی تورم به سال پایه جدید محاسبه می‌شود، نرخ تورم

---

1. Interactive

2. Coping

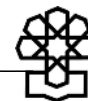
کاهش می‌یابد. دلیل کاهش نرخ هم فقط مدارا کردن خانوار است و دولت اقدامی در جهت کاهش تورم انجام نداده است. موضوع مهم این است که سیاستگذار باید بتواند تغییرات در شاخص قیمت ناشی از مدارا کردن بوده یا آنکه به دلیل سیاست‌های دولت حاصل شده است.

مثال دیگر در این مورد تأثیر تعاملی ارزش پول ملی بر تأمین نیازهای سرمایه‌ای کشور و توسعه فناوری است. وقتی ارزش پول ملی بیش از حد کاهش داده شود که این کار در موارد متعدد با هدف تأمین نیازهای جاری بودجه‌ای انجام می‌شود، کارآفرینی که باید با وضعیت گردش مالی خود مدارا کند، تلاش خواهد کرد که در حد امکان از تعمیر و نگهداری ماشین‌آلات موجود بکاهد و در حدی که بتواند از خرید ماشین‌آلات جدید خودداری نماید. حاصل این مدارا کردن افت تقاضا برای ماشین‌آلات وارداتی است. این معیار می‌تواند در وضعیتی که فناوری توسعه یافته باشد و نیازی به خرید ماشین‌آلات از خارج نباشد نیز چنین روندی را داشته باشد. اینکه سیاستگذار بداند وضعیت معیار برخاسته از مدارا کردن و تعامل است یا آن که به دلیل درستی سیاست‌های اقتصادی رخ داده، موضوع بسیار ظریفی است که باید با دقت به آن عنایت شود.

به‌طور خلاصه، هر یک از موارد بالا می‌تواند وضعیتی را ایجاد کند که نادیده گرفتن آن سبب استفاده نادرست از آمارها و در نتیجه نادرستی معیارهای ساخته شده، شود. با این اوصاف می‌توان دید که معیارسازی ارتباط ملموسی با هویت آمارها و اطلاعات دارد که باید در طراحی معیارها به وضعیت آمارها به دقت عنایت شود.

## ۱-۲. معیارسازی با استفاده از آمارها و اطلاعات

در اقتصادهای پویا، معیارها و ماهیت آنها از اهمیت زیادی برخوردار است. معیاری که برای اندازه‌گیری برگزیده می‌شود، در نهایت برای اصلاح ماهیت عملکرد کاربرد می‌یابد و بنابراین لازم است معیار بتواند تمام ابعاد وضعیت را با دقت و صحت نشان بدهد. اگر معیار نادرست برگزیده شود، تشخیص عملکرد هم از مسیر درست خود خارج می‌شود. بنابراین اصلاحات پیشنهادی متکی به معیارهای نابرازنده نیز نمی‌تواند به بهبود وضعیت کمک کند. معیارها در بیشتر موارد شاخص‌ها و نماگرهایی هستند که سیاستگذاران برای نمایش وضعیت انتخاب می‌کنند. این شاخص‌ها و نماگرها با دقت طراحی می‌شوند و بدیهی است که سازندگان این معیارها، ویژگی‌هایی از وضعیت را مد نظر داشته باشند که برارنده وضعیت مورد تحلیل آنها باشد. به عبارت دیگر، معیارهای ساخته شده همیشه محیط مفروض و ویژگی‌هایی، مشابه آنچه در مورد آمارها ذکر شد، دارند که اگر به آن توجه نشود، کاربرد معیار می‌تواند مشکل‌آفرین باشد و در موارد متعدد اقتصاد



را از مسیر سلامت خارج سازد.

برای اینکه دیده شود معیارها در واقع چقدر می‌توانند مشکل‌آفرین شوند یا به شکلی به‌کار برده شوند که کاربری درست آنها نباشد، از چند مثال ساده استفاده شده است. این مثال‌ها در مورد اقتصاد ایران کاربرد دارند و ارائه آنها با هدف نمایش نیاز به دقت در کاربرد معیارها بوده است.

### مثال ۱ - روند تورم

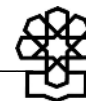
شاید تورم یکی از شناخته شده‌ترین معیارهای عملکرد مسئولان باشد که به دلیل وضعیت ویژه‌ای که دارد، همه در مورد آن صحبت می‌کنند. اما در مورد همین معیار بسیار شناخته شده، ابهامات زیادی مطرح می‌شود که جامعه و مسئولان از آن بی‌خبرند.<sup>(۱۰)</sup> طرح چند مورد می‌تواند مفید باشد:

۱. هویت شاخص: شاخصی که در ایران به‌عنوان تورم مورد استفاده قرار می‌گیرد، شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی خانوارهای مناطق شهری است. تحولات این شاخص به وضعیت مشهود در بنگاه‌های اقتصادی کشور، خانوارهای روستایی و حتی دولت مربوط نمی‌شود. در همین راستا شاخص مورد بحث به سرمایه‌گذاری‌های خانوارهای شهری هم ارتباط ندارد. این شاخص برای بازار سرمایه و تحولات آن مطرح نمی‌شود و ... زمینه‌های متعددی وجود دارد که شاخص به آنها ارتباط ندارد. این امر نشان می‌دهد که کاربرد شاخص فقط در یک محدوده ویژه است و نباید برای هر کار از این شاخص استفاده کرد. شاخص‌های دیگری هم وجود دارد که ابعاد و فعالان دیگر را پوشش می‌دهد. سیاستگذاران باید به حوزه حضور شاخص عنایت داشته باشند. قابل توجه است که این شاخص هم توسط بانک مرکزی و هم توسط مرکز آمار ایران که در سال‌های اخیر مقام رسمی اعلام این شاخص بوده است، تا ماه پنجم سال ۱۳۹۲ اعلام شده است. مرکز آمار که مقام بلامعارض اعلام شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی خانوارهای روستایی است، از خردادماه ۱۳۹۰ تا هفته پایانی شهریورماه ۱۳۹۲، این شاخص را اعلام نکرده بود ولی در تاریخ ۲۳ شهریورماه ۱۳۹۲ گزارش پنج صفحه‌ای کوچکی که هیچ نوع تفصیلی در آن وجود ندارد، در مورد شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی خانوارهای روستایی تا مردادماه ۱۳۹۲ بر پایه سال ۱۳۸۰ معادل ۱۰۰ ارائه شده است. بر اساس این گزارش تورم سالیانه منتهی به مردادماه ۱۳۹۲ در مناطق روستایی ۴/۴۱ درصد و افزایش قیمت نقطه به نقطه در این تاریخ برابر ۶/۴۲ درصد بوده است.<sup>(۱۱)</sup> در مورد شاخص تورم ملی که به‌صورت محاسباتی با استفاده از دو شاخص مربوط به خانوارهای شهری و روستایی ساخته می‌شود، یک‌بار برای پنج سال منتهی به سال ۱۳۸۹ در تاریخ ۳/۱۱/۱۳۹۱ توسط مرکز آمار ایران انتشار یافته است. مرکز آمار ایران در تاریخ ۲۵ شهریورماه

۱۳۹۲ گزارش دوصفحه‌ای جدیدی ارائه داده است که تورم ملی را برای دوره ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۱ محاسبه نموده است. این تورم بر پایه سال ۱۳۸۱ معادل ۱۰۰ حساب شده است.<sup>(۱۲)</sup> بر مبنای ارقام این گزارش، تورم ملی در سال ۱۳۹۱ معادل ۳۲/۴ درصد بوده که نسبت به رقم سال ۱۳۹۰ (۲۸/۷ درصد) جهش ملموسی نشان داده است. تا زمان حاضر، شاخص بهای تولیدکننده از انتشارات مرکز آمار ایران، فقط تا شهریورماه ۱۳۹۱ انتشار یافته است. تأخیر در شاخص‌های کلیدی دیگری که دستیابی به برآورد تورم در کل کشور را ممکن می‌سازد، به‌رغم انتشار دیرهنگام ولی یکباره مواردی که در بالا ذکر شد، این ابهام را ایجاد می‌کند که آیا مرکز آمار فقط در جهت محدود کردن قدرت بانک مرکزی شاخص مناطق شهری را انتشار داده است یا این وضعیت فقط یک تصادف بوده است.

**۲. ماهیت شاخص:** شاخص قیمت‌های مصرفی در هر صورت ماهیت تعاملی دارد. این بدان معنی است که وزن‌های شاخص از بودجه خانوارهای شهری به‌دست می‌آید و بنابراین بخشی از تحولات شاخص به رفتارهای خانوارها و نحوه مدارا کردن آنها با شرایط بازار برمی‌گردد. محدود شدن فشارهای تورمی در مواردی از نیازهای اساسی جامعه، بیشتر برخاسته از ناگزیری مردم بوده است تا ناشی از سیاست‌های مدیریتی دولت. برای مشاهده این نکته کافی است عنایت شود که افت مصرف در مورد کالاها بسیار مشهود و بااهمیت بوده است و در موارد متعدد، مقدار مصرف سرانه به حدی پایین‌تر از روند گذشته درازمدت و پایین‌تر از مقدار سالم مصرف براساس معیارهای جهانی، نزول کرده است. این امر حکایت از آن دارد که خانوارها با مدارا کردن، سلامت و آینده خود را در معرض خطر قرار داده‌اند. تحلیل مفهوم تحولات شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی خانوارهای مناطق شهری باید با عنایت به ساخت مصرف خانوارهای شهری باشد تا بتوان گفت که عملکرد دولت مطلوب بوده است یا خیر. بنابراین بدون تحلیل نمی‌توان در مورد هیچ‌یک از وضعیت‌های شاخص تورم اظهارنظر کرد. هیچ سندی که نشان دهد مسئولان اجرایی کشور تحلیلی از این دست را مبنای رفتاری خود قرار داده باشند، وجود ندارد.

**۳. روش محاسبه شاخص و مشخصات فنی کاربردی:** در بیشتر موارد، این امکان وجود دارد که شاخص‌ها از روش‌های محاسباتی متفاوت محاسبه شوند. روش‌های محاسبه همیشه بر شاخص‌ها اثر می‌گذارد. بنابراین باید عنایت شود که اگر شاخص از روش استاندارد شده در جهان محاسبه نشود، نتایج حاصل از آن می‌تواند با شاخص‌های مشابه در سطح جهان تفاوت داشته باشد. محاسبات با استفاده از وزن‌های متوسط هندسی با محاسبات بر مبنای وزن‌های متوسط حسابی می‌تواند نتایج بسیار متفاوتی را ارائه بدهد.



۴. ضوابط فنی: برای اثبات این نکته که در محاسبه شاخص معیارهای آماری در وضعیت مطلوب قرار داشته‌اند، باید در گزارش فنی شاخص ارائه شود و در اختیار عموم قرار بگیرد. اگر این کار انجام نشود، همیشه تردید باقی می‌ماند. به‌عنوان مثال وقتی سال پایه شاخص تغییر می‌کند باید تمام آزمون‌های لازم برای تأیید بااهمیت بودن تغییر وزن‌ها انجام شده باشد. باید نمونه‌گیری چنان باشد که نمونه نشان‌دهنده وضعیت کامل جامعه آماری باشد. قابل توجه است که نمی‌توان بدون انجام آزمون‌های مختلف و اثبات شمول این نمایندگی، با استفاده از آمارهای بودجه خانوارهای شهری و ارقام ریز شاخص قیمت، شاخص تورم دهک‌های مختلف را محاسبه کرد. نتیجه این نوع محاسبات بدون اثبات روایی محاسبه‌ها، فقط نادرست‌نمایی است.

نظر به اینکه هیچ‌یک از دو مرجع آماری ارائه‌دهنده شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی گزارش فنی تفصیلی در مورد نحوه محاسبه شاخص، روش‌های کاربردی برای میانگین‌گیری، نحوه تغییر وزن‌های شاخص در جریان تغییر سال پایه، توجیه مطلوبیت سال پایه جدید و موارد فنی متعدد دیگر، ارائه نکرده‌اند، نمی‌توان گفت دقت محاسبه شاخص در کدام مورد بیشتر است.<sup>(۱۳)</sup> در هر صورت تلاش برای تصاحب مقام مرجع اعلام شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی خانوارهای شهری، موضوعی است که برای جامعه محققان این کشور، دلمشغولی گسترده‌ای را ایجاد کرده است.

#### ۵. نحوه استفاده از شاخص تورم برای سیاست‌گذاری در حوزه حضور این شاخص: در

شناخت آثار تورمی، رویکرد متعارف آن است که اگر روند تورم شکل صعودی داشته باشد، اثر نقطه به نقطه باید مد نظر قرار بگیرد و اگر روند تورم نزولی باشد، متوسط دوره مورد عنایت سیاستگذار باشد. اینکه سیاستگذار بخواهد با مشاهده سیر صعودی تورم، از ارقام متوسط دوره استفاده کند، در واقع نوعی دستکم گرفتن فشارهای وارد آمده بر جامعه است. قابل توجه است که بحث استفاده از فشارهای تورمی با اشاره به روند تورم باید انجام شود و نه اینکه هر افت بسیار محدود لحظه‌ای عاملی در جهت تغییر استفاده از متوسط تورم به تورم نقطه به نقطه یا برعکس باشد.

براساس گزارش بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی خانوارهای مناطق شهری کشور در مردادماه ۱۳۹۲ بر مبنای سالیانه ۳۹/۰ درصد و بر مبنای نقطه به نقطه ۴۳/۱ درصد افزایش داشته است. افزایش قیمت‌ها افت بسیار محدودی نسبت به وضعیت تیرماه ۱۳۹۲ نشان داده است که در هر صورت این تحول را نباید مبنای تغییر روند تورم محسوب کرد.

در مورد مرکز آمار ایران، گزارش شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی خانوارهای مناطق شهری نشان می‌دهد که نرخ تورم نقطه به نقطه در مردادماه ۱۳۹۲ معادل ۳۵/۱ درصد و رقم

متوسط این سال برابر ۳۳/۹ درصد بوده است. تفاوت قابل ملاحظه بین ارقام بانک مرکزی و مرکز آمار ایران یکی از موارد ابهام جدی است که وجود گزارش کارشناسی برای تحلیل این تفاوت را الزامی می‌سازد.

۶. سال پایه شاخص: نظر به اینکه معیار برگزیده، یک شاخص است و برای ساخت شاخص همیشه سال پایه مطرح می‌شود، باید عنایت شود که سال پایه شاخص درست انتخاب شده باشد. انتخاب نادرست سال پایه می‌تواند عاملی در تدوین سیاست‌های نادرست و در هر صورت، نادرست‌نمایی شاخص باشد. در مورد شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی خانوارهای شهری کشور، سال پایه ۱۳۹۰ است که در هر صورت از یک‌سو نخستین سال پس از انجام پرداخت‌های نقدی به خانوارها در چارچوب قانون هدفمند کردن یارانه‌هاست. اینکه گزارش جداگانه‌ای در تحلیل اثر این پرداخت‌ها بر رفتار خانوارها تا زمان حاضر انتشار نیافته است، به‌روشنی نشان می‌دهد که دفاع از قانون هدفمند کردن یارانه‌ها فاقد پشتوانه آماری و اطلاعاتی است.<sup>(۱۴)</sup>

از این مثال به‌روشنی می‌توان دید که انتخاب معیار باید با توجیه فنی و شناساندن دقیق ابعاد معیار به جامعه همراه باشد. با این اوصاف حوزه حضور هر معیار و نقاط قوت و ضعف آن معیار باید به‌روشنی بیان شود. در موارد متعدد دیده می‌شود که دولت‌ها معیارهایی را برای نمایش وضعیت و توجیه عملکرد خود انتخاب می‌کنند که فقط دلیل انتخاب آن معیارها، خوب نمایاندن عملکرد آنها بوده است. در این چارچوب لازم است قوه مقننه ترتیباتی را اتخاذ نماید که از بروز رفتاری مشابه توسط قوه مجریه در آینده، جلوگیری به‌عمل آورد و این قوه در ارائه معیارهای مختلف نتواند فقط مطلوب نشان دادن رفتارهای خود را ملاک بشمرد.

## مثال ۲ - مدیریت ارزهای نفتی کشور

در کشورهای متکی به دریافتی‌های ارزی حاصل از صادرات منابع طبیعی پایان‌پذیر، مانند نفت، مدیریت این دریافتی‌ها، به‌دلیل جایگاه و اهمیت این منابع برای نسل‌های آینده، از اولویت ویژه‌ای برخوردار است. احتساب دریافتی‌ها به‌عنوان درآمد دولت از اشتباهاتی است که در زمان حاضر به‌روشنی برای تمام جهان شناخته شده است حال آنکه در گذشته‌ای نه‌چندان دور، در کشورهای نفتی و نیز در ایران، موضوعی ناگفتنی محسوب می‌شد. ذکر یک مثال در مورد ارزیابی مدیریت منابع نفتی کشور می‌تواند به شفاف‌سازی بحث مدیریت منابع نفتی و جایگاه دولت، کمک کند. در این مورد باید پرسیده شود که اگر قرار باشد عملکرد دولت‌ها از نظر مدیریت ارزهای حاصل از صادرات نفت ارزیابی شود، چه معیاری را باید انتخاب کرد؟



بررسی نشان می‌دهد که معیارهای متفاوتی در این زمینه آزموده شده است که بحث در مورد آنها می‌تواند روشن‌گر باشد. عمده‌ترین معیارها عبارتند از:

۱. مبلغ درآمدهای نفتی تحت اختیار هر دولت: این معیار بدون تردید نادرست است چون عوامل برونزای متعددی بر آن اثر می‌گذارند که هیچ‌یک را نمی‌توان به مدیریت دولت نسبت داد. به‌عنوان مثال نوسان‌های قیمت نفت در سطح جهان به واقع می‌تواند ارتباط مشخص و ملموسی با عملکرد دولت‌های عضو اوپک نداشته باشد.

۲. ارزش ثابت دریافتی‌های حاصل از صادرات نفت: این معیار هم نمی‌تواند مدیریت دولت‌ها را نشان بدهد، چه رسد به اینکه کسی بخواهد با انتخاب یک معیار برای تعیین ارزش ثابت این دریافتی‌ها، نشان دهد که عملکرد بدتری نداشته است. دستکاری برای انتخاب واحد شمارش و معیار تعدیل قیمت جاری به‌صورتی که ارزش ثابت دریافتی‌ها را به شکل مطلوب دولت مبدل سازد، هیچ‌یک از وجاهت علمی برخوردار نیست و نمی‌توان دفاعی برای آن ارائه داد.

۳. ارزش ثابت تولید ملی به ازای یک واحد ارز نفتی وارد شده به اقتصاد کشور: این معیار نشان می‌دهد که درآمدهای نفتی در اقتصاد کشور چقدر کارآیی داشته است. این معیار می‌تواند یک معیار برانزنده باشد زیرا عملکرد ارزهای نفتی را نشان می‌دهد. ناگفته نماند که این معیار نیز معایبی دارد که باید به آن عنایت شود زیرا ممکن است کشور مقادیری از دریافتی‌های ارزی حاصل از صادرات نفت را در صندوق ثروت ملی نگاه دارد و به اقتصاد وارد نکند. این عمل می‌تواند رشد اقتصادی کشور را در بلندمدت بهبود بخشد. بنابراین نگاه به این معیار باید براساس شناخت روند انتظاری ارزش ثابت تولید ملی به ازای هر واحد ارز نفتی وارد شده به اقتصاد کشور از زمان مطالعه تا آینده‌ای بلندمدت (در مقایسه با روند گذشته عملکرد این معیار) باشد. برای بیان شفاف موضوع، در گزارش حاضر از این معیار چشم‌پوشی شده و فقط ارزش ثابت از گذشته تا زمان بررسی مد نظر قرار گرفته است.

ممکن است دولتی درآمد کمی داشته باشد ولی با کارآیی زیاد بتواند بیشترین مقدار تولید ملی را به‌ازای هر واحد ارز نفتی واردشده به اقتصاد به‌دست آورد. این مثال به‌روشنی نشان می‌دهد که مناقشه بر سر این نکته که درآمدهای نفتی به دلار ارزیابی شود یا به معادل وزنی طلا، تا چه اندازه اختلال‌آمیز و گمراه‌کننده است. هیچ مشکلی نیست که واحد شمارش، یک گرم طلای ناب باشد. در این حالت برای ارزیابی کارآیی عملکرد هر دولت باید نشان داده شود که آن دولت به‌ازای درآمدی نفتی معادل ارزش یک گرم طلای ناب در هر زمان، با درآمد ملی حاصل از این ورودی، چه مقدار طلای ناب قادر است خریداری کند. در این‌صورت معیار برگزیده کسری است که صورت و مخرج

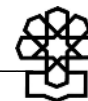
آن هر دو دارای یک واحد مشابه هستند. این واحد شمارش هرچه باشد، عملکرد تغییری نخواهد کرد. اصل موضوع بر سر این است که بتوان عملکرد ارزهای نفتی در ایجاد درآمد، ثروت و رفاه در اقتصاد ملی، ردیابی و ارزیابی شود.

۴. مقدار ارزی که یک درصد رشد در اقتصاد کشور ایجاد کرده است: این معیار هم می‌تواند مدیریت دولت را در استفاده از منابع ارزی نشان بدهد. در این مورد فقط ارزهای نفتی مد نظر قرار نمی‌گیرد و به‌طور غیرمستقیم تأثیر ارزهای نفتی در ایجاد درآمد ارزی برای کشور نیز مطرح می‌شود. در مورد این معیار هم نگاه درست آنکه روند رشد انتظاری در زمان بررسی تا آینده‌ای دور (در مقایسه با رشد تحقق‌یافته از گذشته تا زمان بررسی) مد نظر قرار بگیرد. محاسبه معیار مطلوب در هر صورت به داشتن الگوی اقتصادی نیاز دارد که در صورت فقدان آن، اطلاعات موجود امکان محاسبه معیار را ایجاد نمی‌کند. با این اوصاف در بررسی حاضر فقط وضعیت زمان بررسی در مقایسه با روندهای گذشته مطرح شده است.

نگاهی به وضعیت ارز در مقابل رشد اقتصادی نشان می‌دهد که در دهه ۱۳۸۰، یعنی سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۰، به‌طور متوسط به‌ازای هر ۱ درصد رشد اقتصادی کشور متجاوز از ۲۶ میلیارد دلار ارز مصرف شده است. رقم مشابه برای دوره ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۴ به‌طور متوسط ۵/۸ میلیارد دلار بوده است. اگر سال ۱۳۹۱ نیز در محاسبات منظور شود، رقم دوره اخیر به‌مراتب بزرگ‌تر می‌شود. در سال ۱۳۹۰ هر ۱ درصد رشد اقتصادی کشور، حدود ۴۵/۳ میلیارد دلار ارز مصرف کرده است. این ارقام نشان می‌دهد که ارز به‌تدریج در درون اقتصاد کشور به شکلی ناکارآمد رسوخ کرده و دستکم سیاست‌های ارزی کشور نتوانسته است کارآیی لازم را به تعامل بین منابع ارزی و توسعه ملی فراهم آورد. وضعیت اقتصاد از این منظر به‌تدریج رو به وخامت نهاده است. با این اوصاف می‌توان گفت که مدیریت منابع ارزی و منابع نفتی در کشور روند بهبودیابنده نداشته و مشکلات زیادی را در خود نهادینه کرده است.

### مثال ۳ - مدیریت اقتصادی دولت

یکی از بحث‌های مهم که به‌واقع در شمار محوری‌ترین بحث‌های اقتصاد ملی است، ماهیت مدیریت اقتصادی دولت‌های مختلف است. پرسش کلیدی این است که مدیریت اقتصادی دولت‌ها چه تفاوتی با یکدیگر داشته است و آیا می‌توان ادعا کرد که یک دولت مدیریت اقتصادی بهتری از دولت دیگر داشته است؟ در این مورد بیشتر مسئولان به نرخ رشد اقتصادی در زمان تصدی دولت‌ها اشاره می‌کنند. اینکه عملکرد مدیریت اقتصادی با نرخ رشد اقتصاد سنجیده شود، ساده‌نگری است. در این



مورد اگر فقط عملکرد مدیریت اقتصادی در نفس خود مد نظر باشد باید مجموعه‌ای از معیارهای اقتصادی و غیراقتصادی مورد استفاده باشد. ساده‌ترین مجموعه برای محاسبه عملکرد مدیریت اقتصادی عبارتند از:

۱. معیارهای اقتصادی شامل (تورم، بی‌کاری، رشد اقتصادی، تراز پرداخت‌ها و ارزش پول ملی)،
۲. معیارهای غیراقتصادی (کیفیت زندگی، خوب زیستی، وضعیت سلامت، فراگیری و شناخت سرمایه انسانی،...). ترکیب این معیارها می‌تواند معیاری را به وجود آورد که در اصطلاح معیار عملکرد اقتصادی دولت باشد.

موضوع مهم دیگر این است که در موارد متعدد عملکرد اقتصادی دولت باید با عنایت به یک محور ویژه مد نظر قرار بگیرد. مثال مشخص ارزیابی عملکرد اقتصادی دولت‌ها در جهت برآوردن هدف‌های سند چشم‌انداز بلندمدت اقتصاد کشور متکی به سیاست‌های کلی چشم‌انداز اقتصادی کشور است. مثال مشابه ارزیابی عملکرد اقتصادی دولت‌ها در برآوردن هدف‌های برنامه‌های توسعه‌ای است که همراستا بودن دولت‌ها با خواسته‌های برنامه‌ها را نشان می‌دهد. در همین راستا ممکن است عملکرد اقتصادی دولت‌ها در امتداد قول‌های آنها در زمان انتخابات مد نظر قرار بگیرد. برای هریک از این موارد و سایر موارد احتمالی که می‌تواند مطرح بشود، لازم است معیارهای برانزده طراحی و محاسبه شود. این بحث در تحقیق حاضر به صورت گسترده مطرح نمی‌شود زیرا در حاشیه موضوع بحث قرار دارد.

معیارها هرچه باشد، ماهیت نگرش به ابعاد مختلف آنها نیز باید مد نظر گرفته شود. به عنوان مثال، اگر به فرض، معیار رشد اقتصادی به هر دلیل مد نظر باشد، هنوز این پرسش مطرح است که کدام ویژگی از رشد اقتصادی باید مورد استناد باشد. در مثال زیر بحث رشد اقتصادی به عنوان یک مورد برگزیده مطرح شده است تا نشان داده شود که بحث کاربرد معیار تا چه اندازه حساس و دقیق است.

#### مثال ۴- معیار نرخ رشد

وقتی رشد اقتصادی، به هر دلیل، به عنوان یکی از اقلام معیار عملکرد دولت‌ها ذکر می‌شود، مقایسه ارقام رشد باید با عنایت به موارد زیر باشد:

۱. پایداری رشد در طول دوره مورد بحث و نسبت به روند بلندمدت: پایداری رشد موضوع بسیار مهمی است که وضعیت اثر رشد بر اقتصاد کشور را نشان می‌دهد. به عنوان مثال اگر نرخ رشد اقتصادی طی چهار سال متوالی به ترتیب معادل ۲/۰ درصد، ۱۲/۰ درصد، ۳/۰ درصد و ۵/۰ درصد باشد، متوسط نرخ رشد دوره معادل ۴/۰ درصد نشان داده می‌شود. حال اگر دولتی ظرف

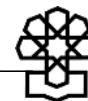
مدت چهار سال توانسته باشد نرخ‌های رشد خود را در ۳/۷ درصد، ۴/۰ درصد، ۳/۵ درصد و ۳/۶ درصد نگاه دارد و متوسط نرخ رشد در حد ۳/۷ درصد باشد، آیا می‌توان گفت که عملکرد دولت نخست با متوسط نرخ رشد ۴/۰ درصد بهتر از عملکرد دولت دوم با متوسط رشد ۳/۷ درصد بوده است. جای تردید است که اقتصاددانان بخواهند این برتری را بپذیرند. عملکرد دولت دوم باید بهتر از عملکرد دولت نخست باشد. ثباتی که ظرف مدت چهار سال در اقتصاد ایجاد شده است، حتی با وجود ۰/۳ درصد کمتر بودن نرخ رشد، بدون تردید اثر مثبت بلندمدتی بر زندگی جامعه باقی خواهد گذاشت که نمی‌توان آن را نادیده گرفت.

نگاهی به وضعیت ایران نشان می‌دهد که در فاصله ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۱ میانگین نرخ رشد معادل ۳/۶۹ درصد، میانه نرخ رشد برابر ۴/۷ درصد و انحراف معیار نرخ رشد برابر ۴/۴ بوده است. ارقام مشابه برای دوره ۱۳۷۱ تا ۱۳۹۱ عبارتند از ۴/۴۸، ۴/۹۴ و ۳/۴۳ درصد. این بدان معنی است که در دوره ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۱، متوسط و میانه نرخ رشد نسبت به متوسط دوره ۱۳۷۱ تا ۱۳۹۱، پایین‌تر بوده و انحراف معیار آن نیز بزرگ‌تر شده است. به عبارت دیگر افت نرخ رشد با افزایش ناپایداری در مورد تداوم این رشد همراه بوده است. تحلیل به‌روشنی نشان می‌دهد که یکی از محوری‌ترین ویژگی‌های رشد اقتصادی در عملکرد دوره گذشته نزدیک، در مقایسه با روند بلندمدت، بدتر شده است.

دوره ۱۳۷۱ تا ۱۳۹۱	دوره ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۱
میانگین نرخ رشد: ۴/۴۸ درصد	میانگین نرخ رشد: ۳/۶۹ درصد
میانه نرخ رشد: ۴/۹۴ درصد	میانه نرخ رشد: ۴/۷۰ درصد
انحراف معیار نرخ رشد: ۳/۴۳	انحراف معیار نرخ رشد: ۴/۴۰

۲. بررسی عوامل برانگیزنده رشد در دوره مورد نظر و مقایسه آن با روند بلندمدت: عوامل برانگیزنده رشد هم در نفس خود اثری بسیار ملموس در ارزیابی باقی می‌گذارد. اگر به‌عنوان مثال در دوره بررسی، در منطقه جنگ باشد و کشور به‌دلیل جانشین شدن به‌جای همسایه در جنگ بتواند بازاری موقتی به‌دست آورد که عامل رشد اقتصادی کشور شود، عملکرد اقتصاد را نباید به‌پای مدیریت دولت در زمینه رشد نوشت. مثال مشخص این وضعیت را ایران در زمان جنگ بین عراق و کویت تجربه کرد که بازار بزرگی برای خرمای ایران ایجاد شد ولی این بازار به‌دلیل جنگ بین همسایگان ایران بود و ظرف مدتی کمی پس از خاتمه این جنگ، بازار خرمای ایران به حالت پیش از جنگ برگشت.

۳. نحوه استفاده از امکانات کشور برای دستیابی به رشد در دوره مورد نظر و مقایسه آن با روند بلندمدت: در مورد نحوه استفاده از امکانات کشور برای دستیابی به رشد، باید دید که



استفاده از امکانات تا چه اندازه برآزنده بوده است. یکی از معیارها به نسبت ساده در این زمینه، این است که دیده شود هر یک از دوره‌ها، دولت‌ها چه مقدار منابع ارزی در اختیار داشته‌اند و چه مقدار منابع ارزی را بابت این رشد هزینه کرده‌اند. در بهترین حالت باید کل منابع ارزی تحت اختیار اقتصاد در هر زمان مد نظر باشد. در این باره از تعریف زیر استفاده شده است:

$$\begin{aligned} & \text{کل منابع ارزی تحت اختیار اقتصاد در هر زمان} = \\ & \text{منابع پیش‌بینی شده بابت سهم دولت در بودجه از محل صادرات نفت} + \\ & \text{کل دریافت ارزی حاصل از صادرات کالاهای غیرنفتی و خدمات} + \\ & \text{کل منابع برداشت شده از موجودی‌های ارزی کشور (شامل ذخایر ارزی، صندوق توسعه ملی، حساب} \\ & \text{ذخیره ارزی و...) +} \\ & \text{کل منابع دریافتی از خارج به صورت وام، سپرده و انتقالات} - \\ & \text{کل منابع پرداختی به خارج بابت بازپرداخت وام و اعتبار} \end{aligned}$$

در این مورد هم پس از محاسبه مقدار منابع ارزی تحت اختیار اقتصاد ملی در هر سال، باید از روش تقسیم درآمد در سال شروع و پایان هر دولت استفاده کرد و به شیوه ذکر شده در بالا، منابع ارزی تحت اختیار اقتصاد کشور در هر دوره را محاسبه نمود. به این ترتیب منابع موجود برای استفاده در هر دوره محاسبه می‌شود و می‌توان از این رقم برای ارزیابی نحوه عملکرد دولت‌ها استفاده کرد.

در این مورد نیز باید توجه شود که اگر ذخیره‌سازی دریافتی‌های حاصل از عرضه منابع پایان‌پذیر در کشور وجود داشته باشد، لازم است بررسی برای یک دوره از زمان شروع بررسی تا آینده درازمدت باشد. این بدان معنی است که سیاست‌های اثرگذار بر رفتارهای بین‌نسلی نیز مد نظر قرار می‌گیرد. در حال حاضر به دلیل پیچیدگی‌های این رویکرد، استفاده از آن صورت نگرفته است.

در مورد ایران، مشکلی که در این محاسبه بروز می‌کند این است که در سال‌های اخیر، در مورد ذخایر ارزی و برداشت‌های مختلف دولت‌ها از حساب‌های ارزی مطالبی ضدونقیض اعلام شده است و سند رسمی هم برای تأیید ارقام وجود ندارد. در مورد برداشت‌های احتمالی و غیرقانونی دولت دهم از صندوق توسعه ملی، حتی برخی از نمایندگان مجلس ابراز نگرانی کرده‌اند. موجودی صندوق توسعه ملی ظرف چند ساعت توسط دو مقام مسئول کشور، با اختلافی متجاوز از ۱۰ میلیارد دلار اعلام شده است.<sup>(۱۵)</sup> در همین راستا رقم صادرات غیرنفتی طبق اعلام گمرک کشور با ارقام ثبت شده در نماگرهای اقتصادی بانک مرکزی بیش از ۳۰ درصد اختلاف دارد. در مورد بازپرداخت وام و بدهی به خارج نیز به تازگی بانک جهانی نیز اعلام کرده که ایران اقساط وام خود را پرداخت نکرده است. هیچ سندی وجود ندارد که نشان دهد چه مقدار انتقال صورت گرفته و

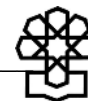
چه مقدار از اقساط معوق شده است. در این صورت بدون حسابرسی دقیق این انتقالات ارزی را نمی‌توان تأیید کرد و با حدس هم فقط بر مشکل برآورد اضافه می‌شود.

آنچه کار را به مراتب دشوارتر می‌کند این است که درآمد نفت کشور هم در سال‌های اخیر انتشار پیدا نکرده است. با وجود این، برای سهولت کار فقط با استناد به متون مختلف بین‌المللی، می‌توان برآورد صادرات نفتی کشور برای سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ را به دست آورد. در مورد رقم سال ۱۳۹۱ برآورد کم‌وبیش قابل قبول است، زیرا مسئولان هم در مواردی در سخنان خود به تغییراتی اشاره کرده‌اند که درآمد حاصل از صادرات نفت را بین ۳۵ تا ۴۵ درصد کاهش داده است. در محاسبات هم فقط دریافتی‌های حاصل از صادرات نفت مد نظر قرار گرفته است که بیشترین قابلیت اتکا در مجموعه ارقام ذکر شده را دارد.

وقتی دریافتی‌های حاصل از صادرات نفت مد نظر قرار بگیرد، با تعریف دوره هر دولت، در دوره ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲، به طور متوسط، به‌ازای هر ۱ درصد رشد اقتصادی در هر سال،  $\frac{۲۲}{۸}$  میلیارد دلار هزینه شده است. برآورد مشابه برای دوره ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴، رقم درآمد ارزی نفت به‌ازای هر ۱ درصد رشد به طور متوسط معادل  $\frac{۴}{۵}$  میلیارد دلار بوده است. با فرض آنکه ارقام دیگر مورد نیاز چندان اثرگذار نباشد، محاسبات نشان می‌دهد که عملکرد دولت‌های نهم و دهم در استفاده مولد از منابع ارزی کشور، با از دست دادن فرصت‌های توسعه‌ای همراه بوده است.

این نگرانی وقتی شدت می‌یابد که در نظر گرفته شود که ارزش پول ملی هم در کشور در دوره دولت‌های نهم و دهم بیش از دوره دولت پیش از آنها افت داشته است. به این ترتیب، موضوع نادرستی مدیریتی ارزی فقط در بخش تخصیص نبوده و در زمینه قیمتگذاری هم ناکارایی مشهود وجود داشته است (البته نباید سهم تحریم‌های بانکی و بانک مرکزی را در دوره اخیر نادیده گرفت). اگر قرار باشد قدرت خرید دلار آمریکا نیز در هر دوره مطرح شود، باید از شاخص قدرت خرید بین‌المللی دلار یا دلار بین‌المللی به قیمت ثابت استفاده شود. این شاخص را بانک جهانی محاسبه می‌کند و به‌سادگی می‌توان ارزش محصول ناخالص داخلی کشور برحسب دلار بین‌المللی را به دست آورد یا دریافتی حاصل از صادرات نفت کشور را به دلار بین‌المللی ثابت محاسبه کرد. در همین چارچوب می‌توان شاخص ارزش صادرات کشور را نیز به‌عنوان مبنای ارزش قرار داد. اگر این معیارها مبنا قرار بگیرد، هنوز تعدیلی که در هزینه ارزی هر ۱ درصد رشد انجام می‌شود، نمی‌تواند تفاوت مشهود ذکر شده در بالا را پوشش بدهد.

با این اوصاف، بنا به فرض، اگر پذیرفته شود که وضعیت مدیریت اقتصادی در یک دوره، با استناد به نرخ رشد اقتصادی ارزیابی شود، مبنای قضاوت باید این باشد که در کدام دوره منابع به



استفاده بهینه خود نزدیکتر بوده است: یعنی اینکه در کدام دوره رشد اقتصادی در حد توان رشد قرار داشته و فرصت‌های از دست رفته کمتر بوده است.

دستکم با بررسی مقدار ارز لازم برای دستیابی به ۱ درصد رشد اقتصادی می‌توان گفت که عملکرد دوره ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ بسیار ابهام‌آمیز است. درست است که تحریم اقتصادی هزینه ارزی را افزایش داده است (که البته این امر در دو سال اخیر شدت یافته است)، ولی آیا می‌شود گفت که هزینه‌های ارزی در نتیجه تحریم بیش از چهار برابر شده است؟ با عنایت به اینکه مسئولان دولت تا همین اواخر، بارها اعلام کرده بودند که تحریم بر اقتصاد کشور هیچ اثری نداشته است، شاید نتوان گفت که عاملیت تحریم در چهار برابر شدن هزینه ارزی، فرضی منطقی باشد.

#### ۴. انحراف نرخ رشد از وضعیت هدف در دوره مورد نظر و مقایسه آن با روند بلندمدت:

برای نمایش اختلاف دستاوردها با برنامه‌ها و خواسته‌ها لازم است سند چشم‌انداز و برنامه‌های توسعه‌ای مد نظر قرار بگیرد. به نظر می‌رسد که انحراف از مسیر اعلام شده در طول زمان شدت یافته باشد. این معیار هم در ارزیابی عملکرد دولت‌ها باید مد نظر باشد.

اگر برنامه توسعه‌ای کشور خواهان رشد ۸ درصد باشد و عملکرد دولت چنان باشد که رشد به ۴ درصد برسد، نمی‌توان گفت که عملکرد این دولت بهتر از عملکرد دولتی است که در برنامه توسعه‌ای خود، رشد ۳ درصد را مبنا قرار داده است و همان رشد نیز تحقق یافته است. توجیه اینکه رشد ۳ درصد در زمان برنامه مورد بحث در واقع بهترین امکان پیش روی دولت بوده، موضوعی است که مجلس باید تشخیص داده باشد. پایداری به وضعیت‌های اعلام شده و تلاش برای دستیابی به آنها، از معیارهای حکمرانی خوب است. ملت انتظار دارد که موارد اعلام شده در برنامه‌های توسعه‌ای و سند‌های بالادستی، تحقق یابد زیرا مردم این موارد را به‌عنوان مبانی برنامه‌های خود استفاده می‌کنند. هر نوع عدم تحقق تعهدات، به زیان جامعه منجر می‌شود و اگر دولت نسبت به این زیان پاسخگو نباشد، عملکرد دولت را نمی‌توان مطلوب محسوب کرد.

#### - شرایط محیطی و روند رشد در جهان در دوره مورد نظر و مقایسه آن با روند بلندمدت:

برای ارزیابی وضعیت محیطی لازم است متوسط رشد کشورهای جهان در هر سال و رشد انتظاری جهان در آن سال مبنا قرار بگیرد. اگر درصد انحراف در ایران بیش از درصد انحراف در جهان باشد یا رونق اقتصادی جهان در یک دوره بیش از دوره دیگر باشد، اثر این تحولات بر اقتصاد و مدیریت اقتصادی کشور باید مشخص شود و در عملکردها مشاهده شود. در محیط جهانی راکد، دستیابی به رشدهای بالا بسیار دشوارتر از وضعی است که محیط جهانی در حال رونق و فعالیت اقتصادی باشد.

بدون در نظر گرفتن این ویژگی‌ها در معیار رشد اقتصادی، حاصل کار فقط ارائه ارقام با هدف توجیه عملکرد دولت‌هاست. وضعیت مشابهی در مورد سایر معیارها وجود دارد که در هر مورد باید ارزیابی با دقت کافی صورت بپذیرد. مثال حاضر نشان می‌دهد که حتی اگر معیار مورد قبول باشد، لازم است پارامترهایی از معیار که باید مورد بررسی قرار بگیرد، مشخص باشد تا ابعاد واقعی عملکرد اقتصادی دولت مشخص شود.

## ۲-۲. شرط دستیابی به معیارهای مطلوب

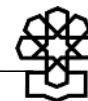
در اقتصادهای مختلف، معیارهای نشان‌دهنده خواسته‌های دولت‌ها و عملکرد آنها باید شفاف و مشخص باشد و به روشنی با عملکرد دولت‌ها ارتباط داشته باشد. انتخاب چند معیار محدود و استفاده از مبانی فاقد توجیه فنی، آن‌هم با هدف توجیه وضعیت دولت حاکم، همیشه نگران‌کننده است. در این راستا قوه مقننه وظیفه سختی را برعهده دارد زیرا باید تعهدات دولت‌ها را شفاف سازد و از آنها بخواهد نسبت به این تعهدات با استناد به معیارهای مورد تأیید، پاسخگو باشند. برای رسیدن به وضعیت مطلوب لازم است که قوه مقننه تعهدات دولت‌ها را شفاف سازد و از آنها بخواهد نسبت به این تعهدات با استناد به معیارهای مورد تأیید، پاسخگو باشند. ملزم کردن دولت‌ها به رعایت شرط پاسخگویی، می‌تواند عاملی در راستای جلوگیری از بزرگنمایی عملکرد دولت‌ها توسط خود مسئولان اجرایی ذیربط باشد.

## ۲-۳. استفاده از معیارهای متعدد برای شناخت وضعیت

در تحقیق حاضر دیده شد که در موارد متعدد برای شناخت وضعیت، ترکیبی از چندین معیار باید مورد استفاده قرار بگیرد. بنابراین باید دید که چطور با چند معیار می‌شود ارزیابی وضعیت را انجام داد. در حالتی که چندین معیار برای ارزیابی وجود دارد لازم است اقدامات زیر انجام شود:

**اقدام ۱: اولویت‌گذاری بر معیارها و انتخاب ماهوی معیارها:** یکی از وظایف دولت‌ها باید اولویت‌گذاری بر خواسته‌ها و رفتارها باشد که این امر در نهایت به اولویت‌گذاری بر معیارها منجر می‌شود. دولتی که بالا بردن رفاه مردم را اولویت اصلی خود می‌شمرد، در بین پارامترهای عملکرد خود باید به تورم، اشتغال و ارزش پول ملی اولویت بیشتری بدهد.

استفاده از معیارهای فاقد مفاهیم مشخص همیشه می‌تواند اولویت‌گذاری و ارزیابی عملکرد را دشوار سازد. به‌عنوان مثال وقتی هدف دولت شغل‌آفرینی پایدار باشد، به‌سادگی می‌توان دید که فقط تداوم ایجاد اشتغال مطرح است و ابعاد اشتغال از نظر افتاده است. اگر دولت هر سال برای



۳۰۰ نفر شغل ایجاد کند و این کار را در تمام سال‌ها انجام بدهد، آیا می‌توان گفت که دولت به هدف اعلام شده خود دست نیافته است؟ امر واقع این است که معیار برگزیده معیاری نامشخص است هرچند که شاید در بیان ادبی مطلوب‌تر دیده شود.

در همین راستا اگر دولت تعداد افرادی را برای شغل‌آفرینی از دولت کمک دریافت کرده‌اند، مبنای نمایش تعداد شغل‌های ایجاد شده بداند، مفهوم برگزیده مفهومی فاقد معنای شناخته شده است. دلیل این امر مشخص است. اگر دستگاه‌های دولتی به هر دلیل به تعدادی از افراد کمک اشتغالزایی انجام دهند و این افراد هرگز شغلی ایجاد نکنند یا تعدادی از افراد شاغل را از کار خود بیرون بیاورند و به شغل جدید ببرند یا آنکه افراد شاغل شده ظرف مدت کوتاهی بی‌کار شده باشند، چگونه می‌توان این مبنا را ملاک ارزیابی عملکرد دولت قرار داد؟

به‌طور خلاصه، لازم است الزامات قانونی برای ارزیابی عملکردها و پاسخگو بودن دولت‌ها به‌دلیل عملکردهای آنها وجود داشته باشد. در ایجاد الزامات قانونی باید از معیارهای دارای توجیه و ارتباط با موضوع استفاده شود و اعتبار معیارها همراه با اولویت آنها مشخص باشد.

**اقدام ۲: استفاده از معیارهای ترکیبی:** با عنایت به ابعاد مختلف فعالیت‌ها و اولویت‌های آنها، برای ارزیابی عملکردها لازم است از معیارهای ترکیبی استفاده شود. معیارهای ترکیبی در جهان امروز کاربرد گسترده‌ای یافته است ولی در ایران هنوز چندان شناخته شده نیست. به‌عنوان مثال وقتی عملکرد دولت‌ها در بخش کشاورزی در برنامه‌های توسعه‌ای کشور مد نظر قرار می‌گیرد، چطور می‌توان این عملکرد را ارزیابی کرد؟ تولید برخی از محصولات ممکن است بیش از حد برآورد برنامه باشد و بعضی دیگر شاید با درصدهای متفاوت کمتر از حد برنامه شود. شاید ماشین‌آلات بیش از حد نیاز واقعی خریداری شده باشد یعنی برآورد برنامه زیادگویی باشد ولی برخی از نهادهای اصلی کلیدی کمتر از نیاز برآورد شده باشد؟ چطور می‌شود وضعیت‌های متعدد و متفاوت را در کنار یکدیگر قرار داد و در نهایت به یک ارزیابی فراگیر از عملکرد رسید؟ معیارهای ترکیبی در این چارچوب بسیار کاربرد دارند.

انتخاب روش ترکیب، انتخاب الگوی ریاضی و نیز سایر ضوابط مربوط به معیارهای ترکیبی، باید به‌صورت الزام قانونی باشد تا امکان دستکاری معیارها و روابط برای مطلوب‌نمایی عملکردها وجود نداشته باشد. اغراق نیست اگر گفته شود که در این زمینه راه درازی باید پیموده شود.

در بین روش‌های ترکیب معیارها و ایجاد معیارهای ترکیبی، روش نمودار عنکبوتی بسیار مرسوم است.<sup>(۱۶)</sup> معیارها کارآمدتر، مانند معیار کی ویات، به‌دلیل پیچیدگی، می‌توان کاربرد به‌مراتب پیچیده‌تری داشته باشد.<sup>(۱۷)</sup> بحث در مورد نحوه محدوده مطلوبیت روش‌های مختلف ترکیب از

حوزه تحقیق حاضر خارج است ولی باید به این نکته بسنده کرد که می‌توان از روش‌های کارآمد برای محاسبه مقداری معیارهای ترکیبی استفاده کرد.

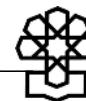
#### ۲-۴. جمع‌بندی بحث در مورد معیارهای تشخیص وضعیت

با عنایت به بحث ارائه شده، به‌روشنی دیده می‌شود که لازم است قوه مقننه از دولت بخواهد اولویت‌های خود را در مورد معیارهای سیاستی مشخص نماید و این اولویت همراه با روش تدوین معیار ترکیبی مورد تأیید قوه مقننه قرار بگیرد تا حد تعهد دولت از ابتدا شفاف شود و تا پایان دوره نیز همین معیارها به‌عنوان ملاک قضاوت و ارزیابی مورد توجه قرار گیرد. در مورد اسناد بالادستی نیز لازم است ترتیبی اتخاذ شود که مقام مدون‌کننده سند، خود معیارهای ارزیابی وضعیت را مشخص کند تا دولت تنها وظیفه داشته باشد که عملکرد را بر اساس معیارهای مصوب و روش‌های ترکیب برگزیده ارزیابی کند و نسبت به آن ارزیابی پاسخگو باشد.

#### ۳. کلام نهایی

بحث حاضر نشان داده است که وجود آمارها و معیارهای برازنده نخستین شرط ایجاد عملکرد کارآمد است و بدون پاسخگو ماندن دولت نسبت به عملکردهای خود، نمی‌توان انتظار داشت که وضعی ایجاد شود که دولت‌ها برای مطلوب‌نمایی کارکرد خود از معیارهای نابرازنده استفاده نکنند. جایگاه قوه مقننه در ایجاد این پاسخگویی بسیار مهم است. قوه مقننه باید وضعی را ایجاد کند که در آن دولت ملزم شود که:

۱. نظام آماری کشور را اصلاح کند و نسبت به آمارها و اطلاعات انتشاریافته پاسخگو باشد.
  ۲. معیارهای مورد استفاده برای ارزیابی‌های مختلف را شفاف کند و نسبت به وضعیت این معیارها، پاسخگو باشد.
  ۳. مستندات و مبانی مربوط به آمارها و معیارها را به‌طور کامل انتشار دهد و نسبت به تأیید صحت و کارایی آنها در مقابل جامعه پاسخگو باشد.
- در صورت رعایت این الزامات، می‌توان اطمینان حاصل کرد که قوه مجریه قادر نخواهد بود برای خوب‌نمایی عملکرد خود از انتشار آمار و اطلاعات ناموافق جلوگیری به‌عمل آورد یا از معیارهای نابرازنده برای پنهان نگاهداشتن وضعیت عملکرد خویش استفاده نماید.



۱. برای بررسی در مورد نقش دولت‌ها در اطلاع‌رسانی و رسالت آنها در جلوگیری از ایجاد انحصارهای متکی به اطلاعات، مراجعه شود به:

خلعتبری، فیروزه. پیوند ارزش پول ملی با آزادی، عدالت و رفاه اجتماعی، فصلنامه تأمین اجتماعی، سال دوم، شماره ۲، شماره پیاپی ۵، تابستان ۱۳۷۹، ISSN 0781-1563.

۲. واژه افزونه در مقابل واژه rent قرار داده شده که واژه‌ای مصوب فرهنگستان زبان کشور است. این واژه از فرهنگ دهخدا برداشت شده است و تمام ابعاد واژه اصلی را پوشش می‌دهد.

۳. این یکی از معروف‌ترین جملات دیزرایبیلی است که در سایتهای متعددی نیز نقل شده است و بسیاری از بنگاه‌های فناوری اطلاعات به آن به‌عنوان سرلوحه کار خود و شعار برگزیده، اشاره می‌کنند. به‌عنوان مثال مراجعه شود به:

[http://quote.robortgenn.com/auth\\_search.php?authid=221](http://quote.robortgenn.com/auth_search.php?authid=221)

۴. برای بررسی گزارش سازمان ملل مراجعه شود به:

**Catts, Ralph.** (2010). UNESCO Information Literacy Indicators: Validation Report. February.

[http://www.unesco.org/new/fileadmin/MULTIMEDIA/HQ/CI/CI/pdf/information\\_literacy\\_indicators\\_validation\\_report\\_ralph\\_catts\\_en.pdf](http://www.unesco.org/new/fileadmin/MULTIMEDIA/HQ/CI/CI/pdf/information_literacy_indicators_validation_report_ralph_catts_en.pdf)

**Catts, Ralph.; and Lau, Jesus.** (2008). Towards Information Literacy Indicators: Conceptual framework. With a list of potential international indicators for information supply, access and supporting skills by UNESCO Institute for Statistics. Paper No. wp08\_InfoLit. UNESCO Information for All Programme (IFAP). Towards Information Literacy Indicators. CI-2008/WS/1. Paris.

[http://www.uis.unesco.org/Library/Documents/wp08\\_InfoLit\\_en.pdf](http://www.uis.unesco.org/Library/Documents/wp08_InfoLit_en.pdf)

**UNESCO.** (2010). Towards Media and Information Literacy Indicators. Background Document of the Expert Meeting. 4<sup>th</sup> to 6<sup>th</sup> November. Bangkok. Thailand. [http://www.unesco.org/new/fileadmin/MULTIMEDIA/HQ/CI/CI/pdf/unesco\\_mil\\_indicators\\_background\\_document\\_2011\\_final\\_en.pdf](http://www.unesco.org/new/fileadmin/MULTIMEDIA/HQ/CI/CI/pdf/unesco_mil_indicators_background_document_2011_final_en.pdf)

۵. برای بررسی بیشتر مراجعه شود به:

**American Library Association.** (2005). Information Literacy Standards. <http://www.ala.org/ala/acrl/acrlstandards/informationliteracycompetency.htm>

**Balanskat, A; Blamire, R.; and Kefala, S.** (2006). The ICT Impact Report: A review of studies of ICT impact on schools in Europe. Brussels, European Community. <http://ec.europa.eu/education/doc/reports/doc/ictimpact.pdf>

**Big Blue.** (2001). The Big Blue: information skills for students. <http://www.library.mmu.ac.uk/bigblue>

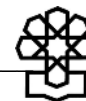
**Bruce, C.** (1997). The relational approach: a new model for information literacy. The New Review of Information and Library Research. Vol. 3. pp. 1–22.

**Bryce, Tom; and Macmillan, Kenneth.** (2005). Encouraging conceptual change: the use of bridging analogies in the teaching of action-reaction forces and the 'at rest' condition in physics'. International Journal of Science Education. Vol. 27. Issue 6. pp. 737 – 763.

**Bundy, A.** (2004). Australian and New Zealand Information Literacy Framework: Principles, Standards and Practice. 2<sup>nd</sup> Edition. Adelaide: ANZIIL.

**Byerly G.; and Brodie, C. S.** (1999). Information Literacy Skills Models: Defining the Choices. In: Stripling, B. K. (1999). Learning and Libraries in an Information Age. Englewood, Colorado, Libraries Unlimited.

- Campbell, S.** (2004). Defining Information Literacy in the 21<sup>st</sup> Century. World Library and Information Congress: 70<sup>th</sup> IFLA General Conference and Council. 22<sup>nd</sup> to 27<sup>th</sup> August.
- Carneiro, R.** (2005). The big picture: Where is learning going? In the proceedings of the Futures for Learning Seminar Report. Glasgow. pp. 19 – 21.
- Catts, Ralph.** (2005) Information Skills Survey. Technical Manual. Canberra. CAUL.
- . (2007). Evaluating Information Literacy Initiatives in Higher Education. In Nevgi, A. (ed.). (2007). Informaatiolukutaito yliopisto-opetuksessa. Information Literacy in Higher Education. Published in Finnish. Helsinki: Yliopistopaino Kustannus / Palmenia-sarja
- Cheuk, B.** (2002). Information Literacy in the Workplace Context: Issues, Best Practices and Challenges. White Paper for use at the Information Literacy Meeting of Experts. Prague. The Czech Republic. <http://www.nclis.gov/libinter/infolitconf&meet/papers/cheuk-fullpaper.pdf>
- Clark, C., and Catts, R.** (2007). Information Skills Survey: its application to a medical course. EBLIP. Vol. 2. Issue 3. pp. 3 – 26.
- Emmett A.; and Emde, J.** (2007). Assessing information literacy skills using the ACRL standards as a guide. Reference Services Review. Vol. 35. Issue 2. pp. 210 – 229. <http://www.emeraldinsight.com/Insight/viewPDF.jsp?Filename=html/Output/Published/EmeraldFullTextArticle/Pdf/2400350202.pdf>
- Evers, F.T.; Rush, J.C; and Berdrow, I.** (1998). The Bases of Competence: Skills for Lifelong Learning and Employability. San Francisco: Jossey-Bass
- Garner, S. D.** (ed.). (2006). Final Report of High-Level Colloquium on Information Literacy and Lifelong Learning. Alexandria. Washington D. C. IFLA. <http://www.ifla.org/III/wsis/High-Level-Colloquium.pdf>
- Grant, S.** (2002). Information Literacy and Consumer Health. White Paper for use at the Information Literacy Meeting of Experts. Prague. The Czech Republic. September 2003. <http://www.nclis.gov/libinter/infolitconf&meet/papers/grant-fullpaper.pdf>
- Jones, Steve E.** (2007.) Reflections on the lecture: outmoded medium or instrument of inspiration? Journal of Further and Higher Education. Vol. 31. Issue 4. pp. 397 – 406.
- Katz, I. R.; and Macklin A. S.** (2006). Information and Communication Technology (ICT) Literacy: Integration and Assessment in Higher Education. Journal of Systemics, Cybernetics and Informatics. Vol. 5. Issue 4. pp. 50 – 55.
- Lau, Jesus.** (2006). The Impact of Information Competencies on Socio-Economic Development in the Southern Hemisphere Economies. In: Martin, A.; and Madigan, D. (2006). Digital Literacies for Learning. London: Facet.
- . (2007). Information Literacy resource Directory. IFLA. <http://www.infolitglobal.info>
- Loertscher, D. V.; and Woolls, B.** (2002). Information Literacy: A review of the Research. 2<sup>nd</sup> Edition. San Jose. California. Hi Willow.
- Loveless, A.; and Longman, D.** (1998). Information Literacy: Innuendo or insight? Education and Information Technologies. Vol. 3. Issue 1. pp. 27 - 40.
- O'Connor, L. G.; Radcliff, C. J.; and Gedeon, J. A.** (2002). Applying Systems Design and Item Response Theory to the Problem of Measuring Information Literacy Skills. College and Research Libraries. Vol. 63. Issue 6. pp. 528-543.
- OECD.** (2005). Learning a Living. <http://www.oecd.org/dataoecd/44/7/34867438.pdf>
- . (2006). Assessing Scientific Reading and Mathematical Literacy: A framework for PISA.
- . (2007). Measuring the Progress of World Societies: The Istanbul Declaration. [http://www.oecd.org/site/0,3407,en\\_21571361\\_31938349\\_1\\_1\\_1\\_1\\_1,00.html](http://www.oecd.org/site/0,3407,en_21571361_31938349_1_1_1_1_1,00.html)
- Ogris, G.; and Westphal, S.** (2006); Indicators on Active Citizenship: The Political Domain Vienna. SORA Institute for Social Research and Analysis. [http://crell.jrc.ec.europa.eu/ActiveCitizenship/Conference/02\\_SORA.pdf](http://crell.jrc.ec.europa.eu/ActiveCitizenship/Conference/02_SORA.pdf)
- UNESCO.** (2005). Toward Knowledge Societies: UNESCO World Report. Paris, UNESCO.
- Virkus, S.** (2003). Information literacy in Europe: a literature review .Information



- Research. Vol. 8. Issue. paper 159. <http://informationr.net/ir/8-4/paper159.html>
- Webber**, S. (2006). Information literacy standards and statements. <http://dis.shef.ac.uk/literacy/standards.htm>
- Spitzer**, Kathleen L.; Eisenberg, Michael B.; and Lowe, Carrie A. (1998). Information Literacy: Essential Skills for the Information Age. Information Resources Publications. Syracuse University. ISBN: ISBN-0-937597-44-9.
- Horton**, Forest Woody Jr. (2013). Overview of Information Literacy: Resources Worldwide. United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization (UNESCO). ISBN 978-92-3-001131-4. [http://www.unesco.org/new/fileadmin/MULTIMEDIA/HQ/CI/CI/pdf/news/overview\\_info\\_lit\\_resources.pdf](http://www.unesco.org/new/fileadmin/MULTIMEDIA/HQ/CI/CI/pdf/news/overview_info_lit_resources.pdf)
- SCONUL**. (2011). Working Group on Information Literacy. April.
- . (2011). The SCONUL Seven Pillars of Information Literacy: Core Model For Higher Education. April. <http://www.sconul.ac.uk/sites/default/files/documents/coremodel.pdf>
۶. به عنوان مثال مراجعه شود به:
- Liepe**, Zieduna; and Sakalas, Algimantas. (2013). Determination of Human Capital Value at Macro Level. Economics and Management. Vol. 18. No. 2. ISSN 2029-9338 (Online). <http://dx.doi.org/10.5755/j01.em.18.2.4101>
۷. به عنوان مثال مراجعه شود به:
- Lau**, Jesús. (2006). A Guideline for Information Literacy for Lifelong Learning. IFLA. <http://www.ifla.org/files/assets/information-literacy/publications/ifla-guidelines-en.pdf>
- Abid**, Abdelaziz. (2004). UNESCO: Information Literacy for Lifelong Learning. Information Society Division. [http://www.google.com/url?sa=t&rct=j&q=&esrc=s&frm=1&source=web&cd=9&cad=rja&ved=0CG8QFjAI&url=http%3A%2F%2Fcdnl.info%2F2004%2Fliteracy.rtf&ei=Ttw\\_Upr9Mou00QWjooDoAw&usg=AFQjCNHT1MaMysP7fijLDMzb\\_7ihOf3R-Q&sig2=-ypFeApssoTO4rLeeWQ7g&bvm=bv.52434380,d.d2k](http://www.google.com/url?sa=t&rct=j&q=&esrc=s&frm=1&source=web&cd=9&cad=rja&ved=0CG8QFjAI&url=http%3A%2F%2Fcdnl.info%2F2004%2Fliteracy.rtf&ei=Ttw_Upr9Mou00QWjooDoAw&usg=AFQjCNHT1MaMysP7fijLDMzb_7ihOf3R-Q&sig2=-ypFeApssoTO4rLeeWQ7g&bvm=bv.52434380,d.d2k)
۸. طی سالها، سازمان برنامه با تغییر اسم و تغییر سازمان مواجه شده است که چون این موضوع مد نظر تحقیق حاضر نبوده است، از نام متعارف سازمان برای ارجاع هویتی استفاده شده است.
۹. ساخت شاخص قیمت بنزین براساس ضوابط درست برای نمایش شدت نادرستی مصرف بر محورهای دیگری هم تکیه دارد که از آن جمله باید به وسیله استفاده از بنزین (خودرو) اشاره کرد. با عنایت به این نکته که تقاضا برای بنزین در بخش حمل و نقل یک تقاضای مشتقه است، باید سه عامل به صورت تلفیقی مد نظر قرار بگیرد. این عوامل عبارتند از:
۱. هزینه متوسط خودرو برای یک کیلومتر سفر،
  ۲. قیمت بنزین یک لیتر به پول ملی،
  ۳. متوسط دستمزد یک ساعت کار به پول ملی. با عنایت به این سه معیار می توان شاخص تفاوت قیمت بنزین را از منظر شدت اسراف در مصرف، ارزیابی کرد. این شاخص، برای نخستین بار، توسط فیروزه خلعتبری ساخته شده است. برای بررسی در این مورد مراجعه شود به:
- خلعتبری، فیروزه. بنزین: نگاهی راهبردی به موضوع سوخت در بخش حمل و نقل، مرکز تحقیقات استراتژیک، معاونت پژوهش های اقتصادی. پژوهشنامه شماره ۴، شهریورماه ۱۳۸۶.
۱۰. در مورد ابعاد و معانی تورم گزارش کارشناسی مبسوطی در مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی وجود دارد که بحث تورم در ایران و جهان را با موشکافی مطرح می کند. برای بررسی بیشتر مراجعه شود به:

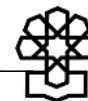
خلعتبری، فیروزه. تورم، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰.

۱۱. لازم به تذکر است که بر مبنای گزارشی که از طرف مرکز پژوهش‌های مجلس در مجلس و پیش از تاریخ انتشار گزارش‌های مرکز آمار ایران ارائه شده بود، مرکز آمار هیچ گزارشی در مورد تورم روستایی نداده بود ولی در پی انتشار آن گزارش، مرکز آمار اطلاعات مربوط را انتشار داده است. این پرسش مطرح است که اگر مرکز آمار ایران تمام این اطلاعات را برای تمام دوره در اختیار داشته بود، چرا ارقام را انتشار نداده بود و اگر در این فاصله کوتاه گزارش مدون شده است، قابلیت اعتماد آن چقدر است؟ در هر صورت انتشار یکباره گزارش، آن‌هم با ارائه کل ارقام بدون گزارش‌های ماهیانه، در نفس خود نگران‌کننده است.

۱۲. این گزارش هم در پی انتشار گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس ارائه شده است و هیچ نوع تحلیل یا تفصیلی در آن نیست. تورم نقطه به نقطه هم ارائه نشده است. در هر صورت انتشار سریع این گزارش هم در نفس خود نگران‌کننده است. چرا برای انتشار این گزارش مدتی چنین طولانی تأخیر شده است.

۱۳. به‌عنوان مثال لازم است گزارشی وجود داشته باشد که نشان دهد چند درصد از اقلام در دسته‌بندی جدید با وزن‌های سال پایه جدید، تغییر وزن معنی‌دار و بااهمیتی داشته‌اند. به‌نظر نمی‌رسد که هیچ‌یک از این دو مرجع این آزمون بسیار بااهمیت را انجام داده باشند. دستکم مرکز آمار در زمان ارائه گزارش خود، از وجود چنین آزمونی بی‌اطلاع بوده است. اگر بخش بزرگی از ارقام در سال پایه جدید، تغییر وزنی داشته باشند که از نظر آماری بی‌اهمیت باشد، موضوع تغییر سال پایه و دسته‌بندی‌ها به بررسی بیشتر نیاز دارد. در مقابل، اگر اقلام گروهی ویژه از مجموعه اقلام شاخص در سال پایه جدید، تفاوت معنی‌دار و بااهمیت داشته باشند و باقی اقلام تفاوتی بی‌معنی نشان دهند، لازم است بررسی جدیدی انجام شود که دیده شود چه مقدار از تفاوت‌ها برخاسته از مدارا کردن بوده است. هر قدر سهم تفاوت‌های برخاسته از مدارا کردن بیشتر باشد، نگرانی در مورد اینکه تغییرات قیمت رفاه و سلامت جامعه را به‌خطر می‌اندازد، باید بیشتر باشد. در غیاب بررسی‌هایی از این قبیل، فقط می‌توان در مورد سیاست‌های قیمتی و نحوه ارائه معیار قیمت، نگران باقی ماند.

۱۴. با عنایت به این نکته که مبانی قیمتگذاری انواع انرژی در این قانون فاقد پایه‌های قابل دفاع کارشناسی است، مثل آنکه قیمت بنزین بدون عنایت به تفاوت کیفیت بنزین ایران با کیفیت بنزین مرجع، دستکم برابر ۹۰ درصد قیمت فوب خلیج فارس بنزین (کدام بنزین؟) و آن‌هم به دلار (با وضعیت کنونی دلار که دولت می‌تواند هر قیمتی را برای آن تحمیل کند) باشد، براساس هیچ‌یک از نظریه‌های شناخته شده علم اقتصاد قابل دفاع نیست. مهمتر اینکه تفاوت قیمت ذکر شده با قیمت کنونی موجود برای بنزین در سند قانون به‌عنوان یارانه شناخته شده است، در هیچ‌یک از تعاریف مربوط به یارانه نمی‌گنجد! در هر صورت این اصرار که چون عنوان قانون، هدفمند کردن یارانه‌هاست، می‌توان هر نوع قیمتی را پذیرفت، فاقد وجهات علمی است. باز هم این اصرار که بنزین در ایران باید معادل قیمت بنزین در کشورهای پیشرفته باشد و این قیمت با واحد شمارش دلار آمریکا، بدون تعمیم واحد شمارش به کلیه قیمت‌های دیگر و بدون عنایت به کیفیت بنزین در ایران با بنزین در کشورهای پیشرفته، باشد، موضوعی است که وجهات علمی، دستکم بر اساس هیچ‌یک از نظریه‌های شناخته شده علم اقتصاد، ندارد. در هر صورت حتی اگر مسائل فنی جدی مبانی این قانون مد نظر نباشد، صرف بروز تورم بسیار در پی اجرای این قانون که مسئولان اجرایی وقت بروز آن را انکار کرده بودند و گزارش‌های کارشناسی بیان‌کننده احتمال تورم را به مسخره گرفته بودند، موضوعی است که ایجاب می‌کند، ریشه‌های تورم بررسی شود و قانون با دقت



بیشتر مورد بررسی قرار بگیرد.

۱۵. بحث در مورد اختلاف ده میلیارد دلار بین گفته‌های مسئول محترم صندوق توسعه ملی و رئیس کل بانک مرکزی که ظرف یک روز دو رقم با اختلاف ده میلیارد دلار را برای موجودی صندوق توسعه ملی اعلام کردند، حتی به روزنامه‌های کشور کشانیده شد و نوشته‌های آن در تمام آرشوها وجود دارد. به‌عنوان مثال مراجعه شود به:

دنیای اقتصاد. صندوق توسعه ملی چقدر موجودی دارد. شماره ۲۹۶۵. تاریخ ۲۲ مردادماه ۱۳۹۲. کد خبر DEN-739298:

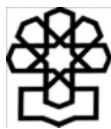
<http://www.donya-e-eqtasad.com/news/739298>.

۱۶. تبدیل نمودار عنکبوتی به شاخص عنکبوتی با استفاده از روش ریاضی ساخته شده توسط فیروزه خلعتبری، امکانپذیر است. برای بررسی یک نمونه از این شاخص مراجعه شود به:

طباطبایی، رؤیا و همکاران. ارزیابی عملکرد برنامه چهارم، مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۹۱.

۱۷. بحث در مورد نمودار عنکبوتی، دلایل برتری این معیار و طیف معیارهای ترکیبی قابل استفاده به تفصیل در تحقیق مربوط به محاسبه شاخص بی‌نوایی برای ایران وجود دارد، برای بررسی بیشتر مراجعه شود به:

خلعتبری، فیروزه و همکاران (سرپرست محسن رضایی). گسترش مفهومی و اجرایی کردن شاخص بی‌نوایی برای ایران، دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام، شهریورماه ۱۳۹۱.



مرکز پژوهش‌ها  
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۳۲۵۲

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: کنکاشی در مورد جایگاه آمارها و معیارها در اقتصاد ایران

نام دفتر: مطالعات اقتصادی (گروه اقتصاد کلان)

تهیه و تدوین: فیروزه خلعتبری

ناظر علمی: رویا طباطبایی‌یزدی

متقاضی: معاونت پژوهش‌های اقتصادی

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی:

۱. آمارها

۲. معیارها

۳. وضعیت اقتصادی

۴. عملکرد مدیریت اقتصادی

تاریخ انتشار: ۱۳۹۲/۷/۲۷